

ابتدا از زاغه نشینان و سپس حرکت اعتراضی دانشجویان و بالاخره تعرض و شیخ توده های تخت ستم در قسم و تبریز و فراگیری این حرکت در سرتاسر کشور شدید. جنبش که عمدتاً تحت رهبری خرده بورژوازی موفیه سنتی بود درکش و قوس مبارزه طبقاتی و تشدید آن و درپروسه شکل گیری شعارهای توده ها که اساساً میرفت تا نظام را نشانه بگیرد از عمق وحدت یابی این مبارزات به وحشت افتاد و اینجا بود که بورژوازی لیبرال ایران را کنار خویش یافت. بورژوازی لیبرال که تفادهاش با رژیم شاه در چهارچوب تفادهای درونی طبقه بورژوازی ایران بود چیزی بیش از امتیازات سیاسی محدودی که زمینه را برای نفس کشیدن بیشتر وی درعرصه اقتصادی باز گذارد طلب نمی کرد. تبلور این خواست سیاسی در شعار "شاه باید سلطنت کند، نه حکومت" دیده می شد. ضربات کوبنده توده ها بر پیکر رژیم شاه جلاد و اوج گیری مبارزه و بالاخره ظهور و نفوذ روز افزون نیروهای چپ در پروسه این مبارزه، امپریا-لیسم و رهبران جنبش را به تفکر جدی واداشت. امپریا-لیسم که منافع وی از لحاظ سیاسی به سختی ضربه خورده بود، در پی راه حلی بود که بتواند به مبارزه هر چه زودتر پایان داده و ماشین دولتی ساخته و پیرداخته خویش و نهادها و ارگانهای سرکوبگر آن یعنی ارتش را حفظ نماید، و از طرفی رهبری جنبش یعنی "رهبری خرده بورژوازی مرفه سنتی" که از تعمیق وحدت یابی مبارزه به وحشت افتاده بود، در صدد بود که از طریق انتقال مسالمت آمیز و فوری قدرت به مسئله فیصله بخشد. و بالاخره پس از فراز و نشیب های فراوان امپریا-لیسم خواستار حفظ ماشین دولتی و خرده بورژوازی خواهان قطع مبارزه طبقاتی، در بورژوازی لیبرال ایران را بسازش رسیدند. امپریا-لیسم بوسیله بختیار و با بیرون نمودن شاه از عرصه، بمیدان آمد و رهبری خرده بورژوازی با بازرگان این لیبرال خیانت پیشه، همه چیز بر طبق برنامه و حساب شده بجلو میرفت. رهبری سازشکار جنبش آنچنان از تسوده ها بدور افتاده بود که میاندیشید با طرح اینکه "هنوز موقع جهاد نرسیده است" و... میتوانم مبارزات انقلابی توده ها را محصور نگه داشته و خود با خیال راحت بکار انتقال مسالمت آمیز بپردازد.

قیام ۲۲ بهمن ۵۷، دور از چشم رهبری و خارج از اراده او بوقوع پیوست و پروسه سازش را به تعویق افکند و آنرا کشدار نمود. به هر حال قدرت سیاسی متشکله از بورژوازی لیبرال به نمایندگی بازرگان و "سران خرده بورژوازی مرفه سنتی" به نمایندگی خمینی تشکیل یافت.

اساس و برنامه حرکت حکومت جدید، حفظ ماشین دولتی و دستگاه بوروکراتیک نظامی ماشین دولتی و به بند کشیدن مبارزات توده ها و خاموش کردن آن در راس برنامه قدرت سیاسی جدید قرار گرفت. بدین لحاظ قیام توده ها و تسخیر پادگان ها و مراکز نظامی از طرف رژیم توطئه دشمن خارجی قلمداد گردید و

در روند مبارزه طبقات در جامعه جایگاه مهمی را بازی کرد، همانگونه نیز در جنبش کمونیستی سبب گشت که بسیاری مسائل نوین تثوریک پیش پای جنبش قرار داده و بصورت محکی برای آزمایش نیروهای کمونیست در آید.

انواع و اقسام تثوریهای رنگارنگ رویزیونیستی که پیروان بون برخورد به ماهیت طبقاتی قدرت سیاسی حاکم در فرایند این دوسال و بالاخره در تند پیچهای مبارزه طبقاتی خود را بصورت منسجم و فرموله در برخی جریانها و بصورت گرایش درجریانهای دیگر نمایان ساخت همگی بر تظہیر قدرت سیاسی حاکم و خارج کردن کل ویا جناحی از آن از زیر تیغ پرولتاریا و زحمتکشسان تاکید داشت. تثوریهای گوناگون، دولت ملی برخورد دوگانه بدولت... دولت خرده بورژوازی... جناح ضد امپریالیست در بلوک قدرت و... جناح خلقی و ضد خلقی... از جمله اینگونه تثوریهایند.

جنبش کمونیستی گرچه در این دو سال در تقابل با این گرایشات اپورتونیستی، رویزیونیستی نبردی بی امان را به پیش برده است، اما این هنوز به هیچوجه کافی نیست، چرا که وضعیت عینی جنبش کمونیستی گواهی این مدعاست که غنای این تثوریها هنوز آنچنان نیست که بتواند از بروز اینگونه گرایشات در جریانها و انقلابی جلوگیری نماید.

امروز در آستانه سالگرد قیام بهمن ماه ۵۷ در حالی که جنبش انقلابی کارگران و زحمتکشسان میهنمان در پی انقلابی دگرند و میروند تا انقلابی را که در بهمن ۵۷ ناتمام ماند با انقلابی نوین به سرانجام رسانند. درحالیکه در سرتاسر جامعه و در عرصه های گوناگون مبارزه میان انقلاب و ضد انقلاب شدت هر چه تمام در جریان است لزوم تحلیل و تحکیم بینشی مارکسیستی و لنینیستی از دولت و تعیین دقیق ماهیت رژیم حاکم از ضروریات و پیش شرط های اعمال رهبری پرولتاریا در انقلاب میباشد.

ما خواهیم کوشید با جمع بندی هر چند مختصری از قدرت سیاسی حاکم و تنبیر و تحولات درونی آن تا به امروز گامی هر چند کوچک در جهت شناخت ماهیت واقعی این رژیم برداریم.

زمینه های اقتصادی - سیاسی قیام بهمن

ماه ۵۷ سازش رهبران - قیام توده ها

بحران اقتصادی سیستم سرمایه داری وابسته ایران که از سال ۵۴ - ۵۳ آغاز گشته بود درپروسه تشدید و تعمیق خویش بار فقر و فلاکت بیسابقه را بر زحمتکشسان جامعه تحمیل مینمود. این فشار بیسابقه اقتصادی در کنار تفضیقات سیاسی رژیم، دیکتاتوری لجام گسیخته و سرکوب و وحشیانه و بیرحمانه هر گونه ندای حق طلبانه و کشتار انقلابیون و به خون کشیدن مبارزات زحمتکشسان و کارگران سبب شروع حرکات اعتراضی

بررسی مختصر ماهیت طبقاتی قدرت سیاسی حاکم

بررسی ماهیت طبقاتی حکومتی که پس از قیام به روی کار آمد از نقطه نظر ماحاز اهمیت فراوانی است. پراتیک جنبش کمونیستی در این دو سال هماهنگی که در سطور قبل آوردیم نشان داده است که مسئله قدرت سیاسی محوری ترین مبحث در اختلافات درون جنبش کمونیستی بوده است. تشدید اپورتونیسم و شکلگیری رویزیونیسم در نیروهای سیاسی در این دو ساله عمدتاً از مجرای در غلطیدن به تئوریهای فدمارکسیستی پیرامون برخورد به سیستم سرمایه داری وابسته و نقش طبقات و مسئله دولت بوده است. ما معتقدیم که جنبش کمونیستی هنوز از دستیابی به تحلیلی واحد، دقیق و موثکافانه پیرامون کلیه اجزاء و نکات ابهام در رابطه با قدرت سیاسی حاکم محروم مانده است و معتقدیم که مبارزه ایدئولوژیک پیرامون این مسئله باید جایگاه مهمی را در برنامه جریان کمونیستی احراز نماید. ما به هم خویش در نشریات گروه در این رابطه دستاوردها و تکامل نظرات خویش را به جنبش عرضه خواهیم کرد و مبارزه ایدئولوژیک با خطوط انحرافی در مورد تبیین مسئله دولت در آینده خواهیم پرداخت. اما در این مقاله صرفاً به آوردن خطوط بطور مختصر پیرامون ماهیت طبقاتی قدرت سیاسی حاکم اکتفاء خواهیم کرد.

در ایران پس از قیام بهمن ۵۷ دولتی متشکله از بورژوازی لیبرال و حزب جمهوری اسلامی مرکب از بخشی از بورژوازی و سران خرده بورژوازی سنتی مرفه "بقدرت رسید، آشفته گی هائی که عمدتاً پیرامون مسئله قدرت سیاسی در جنبش کمونیستی ایران رایج گشت پیرامون وضعیت حزب جمهوری اسلامی عموماً و سران خرده بورژوازی سنتی مرفه خصوصاً بود.

از دیدگاه ما "سران خرده بورژوازی مرفه سنتی" که بقدرت خزیده بودند نمیتوانستند بجز

اجرای سیاستهای بورژوازی در جهت حفظ و تحکیم سرمایه داری وابسته در ایران قدمی بردارند.

رویزیونیستها و مشخصاً حزب توده با تکیه بر تز ارتجاعی راه رشد غیر سرمایه داری با نفی احکام مارکسیسم - لنینیسم پیرامون دولت، با قائل شدن نقش مستقل برای خرده بورژوازی در حقیقت برضد احکام لنینی، تئوری "دولت خرده بورژوازی" مترقی و سوسیالیسم "را مطرح میسازند.

در جنبش کمونیستی نیز تزولات پیرامون این مسئله تبلورات خویش را در بیان برخورد دوگانه بدولت (دولت خرده بورژوازی و بورژوازی) و در تکامل خویش بصورت تطهیر یک جناح از هیئت حاکمه تحت عنوان جناح "خلقی" و "ضد امپریالیست" کشانند. پرولتاریا به زیر پرچم بورژوازی و انحرافات مبارزات کارگران از نشانه روی قطعی کل قدرت سیاسی حاکم

تسخیر سفارت آمریکا توسط نیروهای انقلابی در اولین روزهای قدرت گیری حکومت جدید از طرف این رژیم سرکوب گردیده و عوامل این حرکت انقلابی به توده ها ساواکی، خرابکار و ضد انقلابی معرفی گشتند. بیانیه حکومت پیرامون تو به فرماندهان ارتش و "ملی شدن" ارتش ضد خلقی انتشار یافت و هرگونه حمله به پادگانها ممنوع اعلام گشت و از کارگران و زحمتکشان خواسته شد که سلاحها را به رژیم جدید تحویل دهند. دور اندیشی حاکمان جدید کاملاً آشکار بود. ترس و وحشت از زحمتکشان مسلح شدیداً آنان را به دست و پا انداخته بود.

آری برای کسانی که چشمهایشان را بر حقایق نمی بستند آشکار گشته بود که اینک این ارتش ضد خلقی با اصطلاح ملی شده است که از طرف حکومت بمثابه ابزار حاکمیت و حفظ نظم سرمایه و استقرار حکومت سیاسی به آن تکیه میگردد، نه خلق مسلح، و این درست روز دوم استقرار اینان برار که قدرت بود روز سوار شدن اینان بر ارگان سیاسی سرمایه داری - وابسته یعنی ماشین دولتی روز اعلام سیاست اینان مبنی بر حفظ و بازسازی ماشین دولتی و روز اعلام علنی و آشکار ضدیت اینان با انقلاب توده ها و رودر رو قرار گرفتن آشکار اینان در برابر کارگران و زحمتکشان.

اما بوقوع پیوستن قیام و یورش توده ها به ابزار سرکوب دولتی، دستاوردهای فراوانی برای زحمتکشان به همراه آورد. در طول قیام روزهای پس از آن استخوانبندی ساواک بکلی در هم ریخت و از بین رفت. نیروی پلیس شهری مضمحل گشت و به ارگان ارتش ضد خلقی ضربات سنگینی وارد آمد.

توده ها که با دست خالی به پادگانها حمله میبردند، همگی مسلح از مراکز نظامی باز میگشتند. مضمحل گشتن و مراکز ساواک و پلیس ضربه خوردن جدی به ارتش سبب گشت که ابزار سرکوب ماشین دولتی که در اختیار رژیم جدید قرار گرفت کارآیی سابق خویش را نداشته باشد. بازسازی و انجام دوباره این ارگانها احتیاج به زمان داشت. رژیم برای اینکه قدرت سیاسی خویش را تحکیم بخشد احتیاج به ابزار سرکوب نوینی داشت، این رسالت بعهده کمیته ها و بدنبال آن سپاه پاسداران افتاد به مرحله عمل درآمد در حقیقت کمیته ها و سپاه پاسداران که به زعم برخی از جریانات حرکت خرده بورژوازی و یا "ارگان، سرکوب خرده بورژوازی"!! قلمداد میشد چیزی جز پاسخگوئی به نیاز ماشین دولتی سرمایه نبود. این ارگانها در حقیقت به عنوان جایگزینی برای پلیس که سازمانش بکلی نابود شده و ارتش که انجام قدرت عمل خویش را تا حدود زیادی از دست داده بزد بکار گرفته شد.

ماشین دولتی، سرکوب و کشتار وحشیانه زحمتکشان و حرکت برای استقرار دیکتاتوری منجم سرمایه داری وابسته گواه مدعای ماست.

تشکیل دولت بازرگان - رشد تضادهای درونی هیئت حاکمه - افت و خیز مبارزه طبقاتی

بنا بر این دولتی که پس از قیام ۲۲ بهمن ماه بقدرت رسید بر طبق قاعده عمومی نه تنها دست به ترکیب ماشین دولتی سرمایه داری وابسته نزد بلکه آنرا در خدمت خویش گرفت و به ترمیم و بازسازی آن پرداخت.

دولت جدید وارث نظامی بود که بحران سرنگ پایش را فرا گرفته بود، بحران اقتصادی عمیقی که در نتیجه خویش بزرگترین بحران سیاسی تاریخ ایران را پدید آورده بود و باعث برانداختن یکی از مرتجع ترین و هارترین رژیمهای دیکتاتوری در منطقه گشته بود. از دیدگاه پرولتاریا حل مسئله بحران سرمایه داری وابسته جز با انقلاب و درهم کوبیدن این نظام میسر نیست. اما بورژوازی برای حل بحران بنسبای حفظ مناسبات موجود باید که با انتقال بار بحران بر دوش کارگران و زحمتکشان، با استثمار شدیدتر و وحشیانه تر از کارگران شرایط مناسب را برای باز تولید خویش به کف آورد. دولت جمهوری اسلامی بنا بر ماهیت طبقاتی خویش جز راه حل بورژوازی راه دیگری در برابر خویش نمیدید.

ما پس از قیام شاهدیم که ارگانهای توده ای که بصورت کمیته های محلی برای دفاع از شهرها توسط توده مردم بوجود آمده بود منحل شده و ارگانهای دولتی سپاه پاسداران و کمیته ها بمنابسه ابزار سرکوب سرمایه بوجود آمدند و دیدیم که رژیم چگونه پس از قیام با وعده و وعید از کارگران صبر انقلابی طلب میکرد. اما صبر توهم آلود کارگران نیز دبری نپاشید و سرانجام رژیم جدید در ۱۸ فروردین ۵۸ در یورش به تظاهرات کارگران بیکار اصفهان آنان را بگلوله بست. اما بحران سیاسی و وضعیت ذهنی توده ها بصورتی بود که رژیم توانست برای مدت کوتاهی صدای اعتراض آنان را خاموش سازد. بحران

کماکان با برجا بود و رژیم برای مقابله با آن، برای انتقال بار آن بردوش زحمتکشان لازم داشت که مبارزات انقلابی سرکوب شوند، نیروهای کمونیست نابود گردند و بر این زمینه به حل بحران سرمایه بپردازد.

دولت بازرگان که عناصر متشکله آنرا بورژوا - لیبرالهای کهنه کار تشکیل میدادند بر بستر چنین اوضاع و احوالی با حکم آیت الله خمینی رسماً بعنوان شماره سازش رهبران جنبش با امپریالیسم کار خود را آغاز کرد. نیروهای انقلابی و کمونیست هرچشمه متوهم نسبت به رژیم جدید اما با طرح شعارهای نظیر قرار دادهای امپریالیستی لغو باید گردید.

بمنابسه پاسدار منافع سرمایه داری وابسته نشان داد این تز بر حاکمیت و حضور جناحی از خرده بورژوازی باپتانسیل مبارزات ضد امپریالیستی در قدرت سیاسی تاکید داشت و برای اثبات نظر خویش به پراتیک این جناح پیرامون تشکیلات "ارگانهای خاص خویش" همچون سپاه پاسداران و کمیته ها از یکسو و بر برنامه های اقتصادی "خرده بورژوازی" همچون ملی کردن بانکها و موسسات صنعتی تکیه میکرد. ما در مورد مضمون و ماهیت سپاه پاسداران و الزاماتی که به تشکیل آن منجر شد سخن گفتیم و در سطور بعد نیز در رابطه با ملی کردن سرمایه ها بتفصیل سخن خواهیم گفت و نشان خواهیم داد که تمامی این برنامه ها در چهارچوب اقتصادی سرمایه داری وابسته ایران و در جهت تحکیم مبانی سرمایه داری وابسته و حفظ سیستم و مناسبات موجود صورت گرفته است. اما نکته ای که در اینجا باید به آن اشاره کنیم اینست که این تز درحقیقت اولاً از ماشین دولتی تحلیلی غیرمارکسیستی ارائه میدهد، ثانیاً برای خرده بورژوازی مرفه ایران در گروهبندی اجتماعی اش با سیستم سرمایه وامپریا - لیسم ضدیت ماهوی قائل میشود.

این تز دولتی کردن صنایع راناشی از "توبی خرده بورژوازی تعدیل ثروت" جا میزند و به آن مضمون ضدیت با سرمایه بزرگ داده و برماهیت بورژوازی آن پرده ستر میکشد لنین در این رابطه میگوید:

"ما از روی تجربه شخصی خود میدانیم، سیر تکامل تمام انقلابها هم، هر آینه فرما صدو پنجاه سال اخیر را مآخذ بگیریم این موضوع را در سراسر جهان تاپید میکنم که همه جا و همیشه نتیجه حاصله درست چنین بوده است. کلیشه تلاشی که خرده بورژوازی بطور اعم و دهقانان بالخصوص بعمل آورده اند برای آنکه از نیروی خود آگاه گردند و اقتصاد و سیاست را بشیوه خودشان هدایت نمایند تاکنون همه شکست آنجا -

میده است. یا تحت رهبری پرولتاریا، یا تحت رهبری سرمایه داران، شق ثالثی وجود ندارد، کلیه کسانی که در آرزوی شق ثالث هستند پنداربا فان و موهوم پرستان پوچند. سیاست و اقتصاد و تاریخ دست رد به سینه آنها میگذرد." (سخنرانی در کنگره کارگران حمل و نقل روسیه منتخب آثار صفحه ۷۹۴)

در ایران نیز در چهار رچوب مناسبات سرمایه داری وابسته "سران خرده بورژوازی حاکم" اولابین دلیل که در گروهبندی اجتماعی شان فاقد ضدیت ماهوی با سیستم سرمایه بود و ثانیاً بلحاظ اینکسه حاکمیت سیاسی خویش را درگرو حفظ مناسبات موجود ارزیابی میکردند علیالاصول نمیتوانستند پراتیکی سوا پاسداری از مناسبات سرمایه داشته باشند.

حرکت اینان اساساً بر مبنای حفظ سیستم و حفظ ماشین دولتی استوار است. پراتیک غنی دوسال مبارزه حاد طبقاتی پس از قیام بهمن ماه و حفاظت و حراست اینان از ابزارهای سرکوب

مقابل و دستیابی به حاکمیت یکپارچه خود کردند، این تضادها در عرصه سیاسی بازتابی بود از بکرشته علل اقتصادی - اجتماعی از جمله پایه مهم این اختلافات همانگونه که گفتیم چگونگی اجرای منشور وحدت بود که نکته مهم آن راه حل های متفاوت اقتصادی - سیاسی برای حل بحران سرمایه و بحران سیاسی جامعه بود. در این دوره اهرم های قدرت سیاسی و اقتصادی عمدتاً در دست لیبرالها متمرکز گشته بود در این مقطع بورژوازی حاکم برای جلوگیری از نابودی بانکهای که اکثراً ورشکست شده بودند اقدام به دولتی کردن بانکها نمود و از این طریق با واریز کردن بدهی های بانکها از جیب زحمتکشان این نهادهای سرمایه داری را از خطر سقوط رهانید. این مسئله بنابر آن دولتی کردن کارخانجات و موسسات صنعتی تحت فشار "سران خرده بورژوازی حاکم" که عمدتاً چنین سیاست را دنبال میکردند، باعث آشفته فکری در صفوف جنبش انقلابی گشت.

نیروهای رویزیونیست با هجوم ایدئولوژیک خویش و براساس حرکت بر مبنای تر "راه رشد غیر سرمایه داری" به دفاع از این عمل پرداختند. نیروهای متزلزل درون جنبش این حرکت را بطور ضمنی مورد تأیید قرار داده و آنرا "حرکتی خرده بورژوازی" ارزیابی نمودند. اما واقعیت امر چه بود واقعیت اینست که بورژوازی در مقاطعی که درگیر بحران باشد راه حل دولتی کردن را بعنوان یک آلتر-ناتیو مشروط طرح مینماید و این دولتی کردن به هیچوجه در خصلت سرمایه و ماهیت بورژوازی این حرکت خدشه ای وارد نیماورد. انگلیس در این رابطه میگوید:

"البته نه تبدیل نیروهای مولده به شرکتهای سهامی و نه به مالکیت دولتی، هیچکدام خطت سرمایه ای نیروهای مولده را زائل نمیکند. در مورد شرکتهای سهامی این مسئله بوضوح دیده میشود و دولت جدید، باز هم فقط تشکیلاتی است که جامعه سرمایه داری برای حفظ شرایط عمومی خارجی شویه تولید سرمایه داری خواه در برابر حملات کارگران و خواه در برابر تکت سرمایه داران خود بوجود آورده است. دولت مدرن بهر شکلی که باشد عمدتاً یک دستگاه سرمایه داری است. دولت سرمایه داران است. کمال مطلوب مجموعه سرمایه داریست، اوهر چه بیشتر نیروهای مولده را تحت مالکیت خویش درآورد بیشتر بصورت سرمایه دار کل واقعی در میآید و اتباع دولت را بیشتر استثمار میکند. کارگران باز هم کارگران مزدور - پرولتاریا - باقی میمانند مناسبات سرمایه از بین نمیرود، بلکه حتی به نقطه

ارتش ضدحلقی منحل باید گردد و... خواستار ادامه انقلاب و بسط و گسترش آن بودند. اما رژیم بی اعتباری به این خواسته ها ضدیت آشکار خویش را در حمله به تظاهرات و میتینگهای نیروهای انقلابی و کمونیست به نمایش میگذارد. در آنزمان ارکان های اصلی قدرت، شورای انقلاب و دولت بازرگان بودند که میتوان گفت، قدرت اجرایی تا حدودی در دست لیبرالها متمرکز بود. اما انقلاب نمیتوانست همچنان در بند توهمات خویش باقی بماند، هر روز که از حکومت پاسداران جدید سرمایه میگذشت گوشه هایی از توهم توده ها فرو میریخت رژیم که در اوایل فروزدی - بن بارفراندوم جمهوری اسلامی توده های متوهم را به پای صندوقهای رای کشاند در ادامه حرکت خویش و در همان زمان به سرکوب خونین خلق کرد در سنج پرداخت و نوروزسنج نوروز خونین گشت، در ۱۸ فروردین ۵۸ در اصفهان کارگران بیکار بگلوله بسته شدند و رفیق شهید ناصر توفیقیان "در راه اهداف انقلابی به شهادت رسید. باری تمامی نشانه ها و کلیه شواهد و تحلیلها بطرز بارزی نشان میداد که لاینحل ماندن مسئله بحران سرمایه داری از یکسو و پتانسیل شگرف توده ها برای مبارزه برعلیه مناسبات موجود که در چارچوب "جمهوری اسلامی" محصور گشته بود از سوی دیگر نمیتواند توهم توده ها را پایدار نگه دارد. همانگونه که ضد انقلاب به تحکیم و تثبیت خویش میرداخت انقلاب نیز خود را از گیرودار اوها مات گذشته رها میساخت و رو به انجام میرفت و بالاخره انقلاب و ضد انقلاب در تمامی عرصه ها به صفا ایستادند. اینجا باید به این نکته اشاره کرد که در صفا انقلاب مبارزه بصورت عینی و روز مره خیلی سریع آغواز گشت، اما از لحاظ ذهنی وجود تشتت تشویریک در صفوف جنبش کمونیستی پیرامون مسئله دولت و ماهیت رژیم حاکم، صفایینان در تبلیغات و غیره و از طرفی عظمت کار شگرفی که با سرنگونی رژیم شاه صورت گرفته بود بر چهره این حاکمان جدید پرده ستر میافتد. رشد آگاهی در این دوره نسبت به رژیم به کندی صورت میگرفت. اما همانگونه که گفتیم به هرصورت مبارزه آغاز گشته بود و بنا براین اجرای منشور وحدت بخش دو جناح، یعنی حفظ و بازسازی سیستم سرمایه داری وابسته، حفظ ارتش و تقویت آن و سرکوب انقلاب به بیان کلی و حل بحران سرمایه در عمل و در فرا یند مبارزه طبقاتی به تشدید اختلافات دو جناح حکومتی منجر گشت. در ایندوره مبارزه در میان بلوک حاکم بین شورای انقلاب با هژمونی رهبران خرده بورژوازی و دولت بازرگان درگیر بود. اساس و پایه این اختلافات در واقع جنگ قدرتی بود که هر یک از طرفین سعی در منسوب نمودن جناح

نابود باد سیستم سرمایه داری وابسته به امپریالیسم

اوج خود میرسد (انگلس آنتی دوربینگ
صفحه ۲۷۱)

این بیان انگلس را بدین سبب آوردیم که این
مطلب (دولتی کردنها) مورد سوء استفاده دو بخش
قرار گرفت :

۱ - نیروهای رویونیست که با حرکت از تـز
" راه رشد غیر سرمایه داری " به این حرکت مضمونی
مترقی بخشیدند و از آن بحمايت برخاستند .

۲ - نیروهائی که این حرکت را " حرکت خرده -
بورژوازی " از پایگاه منافع طبقاتی خویش ارزیابی
نمودند .

این درک دوم نیز همانگونه که در آئینده نشان
خواهیم داد . چاره ای ندارد جز اینکه برای " سران
خرده بورژوازی حاکم " خلعت " ضد امپریالیستی " و
حتی " ضد سرمایه " قائل گردد و از این طریق
در عرصه سیاسی به تطهیر یک جناح پرداخته و سراز
" دولت خرده بورژوازی " درآورد .

درکنار این حرکت اقتصادی تضاد بین دو جناح
پیرامون ارگانهای سرکوبگر و تسلط بر آنها ابعاد
تازه ای مییافت . بورژوازی لیبرال که از ابتدای
قیام با گرفتن ارتش در دست خویش موقعیت خود را از
این لحاظ مستحکم ساخته بود با رقبای جدیدی همچون
کمیته ها و سپاه پاسداران روبروگشت . یکی از عمده
ترین مباحثات دو جناح در این دوران پیرامون
حدود و ثغور عملکرد هر یک از این ارگانها
دور میزد . اما وجه مشخص این دوران بخصوص پس
از تشکیل مجلس خبرگان را میتوان بشکل زیر
خلاصه نمود .

رژیم که در ابتدای بقدرت رسیدن با عوام فریبی
همصدا با توده ها تشکیل مجلس موسسان را عنوان
میکرد از ترس وارد شدن کاندیداهای نیروهای انقلابی
و کمونیست بدرون مجلس تشکیل مجلس موسسان را منتفی
و اعلام کرد که مجلس با تعداد محدودی نماینده
تشکیل خواهد شد .

سرنا پای این قانون اساسی مشحون از قوانین
ضد کارگری و ضد دمکراتیک و ناظر به پایمال
کردن ابتدای ترین حقوق دمکراتیک بود این مجلس
از طرفی با طرح مواد ولایت فقیه و شورای نگهبان به
زعم خویش پایه های حاکمیت جناح " سران خرده بورژ-
وازی حاکم " را مستحکم میساخت و از سوی دیگر
پایه های دیکتاتوری عریان و لجام گسیخته سرمایه را.
رژیم با ولایت فقیه و شورای نگهبان که این دومی
نیز توسط فقیه تعیین میگردد راه را برای اعمال
هر گونه تضیقات سیاسی - اجتماعی هموار میساخت .
جلوگیری از تشکیل گروهها و جمعیت های سیاسی
با هزار و یکاگر و مگر ، پایمال نمودن حقوق
کارگران و سلب حق اعتصاب از آنان پایمال نمودن
حقوق زنان و تأیید ستم مخاف وارد بر آنان ، قبول
مالکیت خصوصی به عنوان پایه و مبنای اقتصاد
جامعه ، باز گذاردن دست مجلس در انعقاد قرارداد ،
با امپریالیستها ... که بکرات در زمان خویش
از طرف نیروهای سیاسی مورد بحث و نقد قرارگرفت

ماهیت ارتجاعی قانون ساخته و پرداخته " خبرگان "
را عیان میساخت .

در هر صورت " سران خرده بورژوازی حاکم " با
پیروزی در مجلس خبرگان موقعیت مستحکمی برای تعرض
به جناح دیگر احراز نمودند . پیش نویس قانون
اساسی که توسط " دولت موقت " تهیه شده بود درعمل
استحاله گشته و موادی در آن گنجانده شد که مو-
قعیت سران خرده بورژوازی حاکم را تثبیت و تقویت
مینمود . از طرفی ارگانهای سرکوبگر سپاه پاسدار و
کمیته ها که رسماً مشروعیت پیدا کرده بودند درسیا-
ری از امور شروع به مداخله درحوزه نفوذ لیبرالها
نمودند . لیبرالها که موقعیت شان بلحاظ موارد فوق
تضعیف شده بود به کارزاری تبلیغاتی دست زدند .
حزب خلق مسلمان به تشکیل جلسات هفتگی پیرامون قانون
اساسی نمود و بزودی از چند صد نفر در جلسات اول
تعداد شرکت کنندگان به چند هزار نفر بالغ
گردید . لیبرالها نقشه ای نیز برای انحلال مجلس
خبرگان تهیه دیده بودند .

اما در حقیقت آنچه که در این دوره هول
و هراس را به جان هر دو جناح افکنده بود مسئله
جنبش توده ها و مشخصاً جنبش خلق کرد و مبارزات کارگران
بیکار بود . کردستان در این دوره در اختیار نیرو-
های سیاسی خلق کرد قرار داشت . و در شهرها
و روستاها ، شوراها ی انقلابی زحمتکشان تشکیل یافته
بود . در شهرهای دیگر ایران و مشخصاً تهران نیرو-
های سیاسی با فعالیت گسترده و وسیع تبلیغاتی خویش
زنگ خطر جدی را برای رژیم بمدا در آورده بودند .
کارگران بیکار در شهرهای مختلف ایران دست به
تشکیل سندیکای بیکاران زده و با مبارزات دائمی
خویش رژیم را به هراس افکنده بودند .

بنا براین دو جناح حکومتی نمیتوانستند وجه
اختلاف خویش را در مورد چگونگی برخورد به جنبش
انقلابی بروزنهند . آیت الله خمینی روز ۲۸ مرداد
با انتقاد شدید از " دولت موقت " دستور حملات
به کردستان را صادر کرد و خواست که ظرف ۲۴ ساعت
پاوه از عناصر " ضد انقلاب " پاکسازی گردد دراین
دوره جناح لیبرالها عموماً بر مذاکره و فریب
نیروهای سیاسی ، شکاف انداختن در صفوف جنبش
خلق کرد و جلب جریانهای متزلزل و سازشکار و
سپس سرکوب قطعی و یکپارچه تکیه میکردند . تهاجم
۲۸ مرداد ۵۸ ابعاد وسیعتری بخود گرفت ، در تهران
و دیگر شهرها به دفاتر گروههای سیاسی یورش برده ،
شد . اما این هجوم وحشیانه به جنبش انقلابی که
همراه با تبلیغات کرکننده رژیم پیرامون جهاد
با " کفار " ... صورت میگرفت دوام چندانی نیاورد .
مقاومت قهرمانانه خلق کرد پوزه رژیم را در کرد-
ستان به خاک مالید و توده های متوهم که تحت
تأثیر تبلیغات رژیم قرار گرفته بودند با افشاگر-
یهای نیروهای کمونیست بر بسیاری از ذهنیات
گذشته خویش قلم بطان کشیدند .

پس از ناکامی حمله به کردستان ، ناکامی
دیگری که گریبان رژیم را گرفت ، شکست در انتخابات

میکوشیدند که علل تمامی نابسامانیهای اقتصادی و سیاسی را در وحله اول متوجه کمونیستها و نیروهای انقلابی و در وحله دوم ناشی از دخالت "عناصر غیر مسئول" و "نهادهای مزاحم" و ... در حقیقت جناح دیگر حکومتی قلمداد کنند. محور تبلیغات این جناح کاملاً برایین خط استوار بود. مصالحه بازرگان با اوریانا فالاجی و حمله وی به جناح حزب یون بیانگر حشدت یابی بیش از پیش نهادهای درونی اینان بود. از طرفی جناح "حزب یون" بازرگان را به عملکرد های "غیر انقلابی" و "سیاست گام به گام" مماشات با ضد انقلاب و ... متهم مینمودند. این جناح نیز مشکل اصلی را در مرحله اول در حضور و نفوذ فعالیت نیروهای انقلابی و کمونیست و جنبش رو به اعتدال زحمتکشان میدید و جناح بازرگان را در غلبه بر این مشکلات ناتوان معرفی میکرد. آری کماکان منشور وحدت پا برجا بود. منشوری که حکم میکرد باید سیستم را باز سازی نمود، باید جنبش انقلابی را سرکوب کرد، باید بحران سرمایه را بقیمت خون کارگران و فقر و فلاکت زحمتکشان مرتفع نمود اما اختلافات در فرآیند مبارزه طبقاتی شکاف را بیش از پیش دامن زده بود. افشاگریهای نیروهای کمونیست از جناح حزب و همچنین لیبرالها، عمدتاً و بیشتر رهبران حزب را در میان توده ها رسوا ساخته بود تا جایی که خمینی از "اعتبار و آبروی" خویش برای تطهیر آنان مایه گذارد، و به تطهیر بهشتی پرداخت. اما در چنین دورانی که عملکردهای جناح حزبی که به شکل آشکارتر و عریانتری در سرکوب را بکار میرسد موجب نفرت همه جانبه توده ها قرار گرفته بود و دیگر حمایت علنی خمینی از این جناح موقعیت خود وی را نیز به خطر میانداخت "نغمه امام تنهاست"، امام به هیچ حزب و گروهی وابسته نیست و ... ساز شد تا خمینی را بمثابه عنصری مجزا از جناح بندیهای حکومتی قلمداد نموده و وی را از زهر تیغ توده ها برهاند.

امپریالیسم آمریکا که در مقطع قیام با سازش با رهبران موقعیت خویش را بطور نسبی حفظ کرده بود بلحاظ اختلافات درون هیئت حاکمه ایران امیدی نداشت که هیئت حاکمه با ترکیب در جناحی خویش بتواند مبارزات کارگران و زحمتکشان را درهم بکوبد و از رشد روز افزون نیروهای انقلابی و کمونیست جلوگیری نماید. به همین لحاظ با تقویت جناح لیبرالها که آنها را بخود نزدیکتر میدید موجبات نارضایتی جناح دیگر حکومتی را فراهم آورده بود. تمامی عوامل فوق که بر شمرديم را میتوانیم در نکات زیر خلاصه کنیم.

۱- جناح حزب جمهوری از موقعیت ضعفی نسبت به لیبرالها (در مجموع) در قدرت سیاسی قرار داشت. این جریان که قانون اساسی ساخته و پرداخته اش را در مجلس بپایان برده بود برای تحکیم بیشتر خویش احتیاج به تصویب آن از طرف توده ها داشت.

شوراهای محلی شهر ها بود. رژیم که همواره بر حمایت ۹۹٪ توده ها تکیه داشت در این انتخابات نتوانست بیش از ۱۵٪ از توده های واجد شرایط را به پای صندوقهای رای بیاورد. بهر حال بر بستر تمامی این زمینه ها بود که مسئله اشغال سفارت آمریکا و تغییر و تحولات بعدی در قدرت سیاسی حاکم به میان آمد. ما وجود این شرایط را در زیربیشتر باز خواهیم کرد زیرا که مسئله اشغال سفارت آمریکا و گروگانگیری به نقطه برجسته تبدیل گردید که در جنبش کمونیستی سره را از ناسره جدا کرد و به شکاف عظیمی در میان صفوف نیروهای انقلابی تا آن زمان دامن زد.

سفارت و گروگانگیری و مبارزه "ضد امپریالیستی رژیم"

برای تحلیل از مضمون اشغال سفارت و گروگانگیری و "مبارزه ضد امپریالیستی" رژیم، لازم است مجموعه شرایطی را که گروگانگیری در آن مقطع رخ داد بررسی نموده و عوامل و فاکتورهای کدام رژیم و مشخصاً جناح حزب را به سوی این عمل سوق داد بررسی کنیم.

همانگونه که گفتیم در این مقطع مشخصه جنبش انقلابی میهنمان در کردستان و در مبارزات کارگران بیکار به طور بارزی مشخص بود. تعرض رژیم به کردستان با مقاومت قهرمانانه خلق کرد به شکست انجامید و بازتاب آن توسط نیروهای انقلابی و کمونیست همراه با اهداف خلق کرد در این مبارزه بطور وسیعی در میان زحمتکشان پخش گردید. از طرفی بحران اقتصادی سیستم سرمایه کماکان به تعمیق خویش ادامه میداد. موج مبارزات کارگران بیکار و تظاهرات آنها در شهرهای مختلف رژیم را باین بستی جدی روبرو ساخته بود. عدم پاسخگویی به خواست های توده ها، سرکوب قهری مبارزات زحمتکشان و فقر و فلاکت بیسابقه سواهای جدی پیرامون حکومت در ذهن توده ها برانگیخت، تبلور این مسئله در عدم شرکت وسیع کارگران، زحمتکشان در انتخابات شوراهای محلی نمایان بود. رژیم اینبار در آستانه به فرانسدم گذاردن قانون اساسی ساخته و پرداخته خویش بود و امیدی به شرکت مردم و تأیید این قانون اساسی نداشت در این میان شکاف در میان هیئت حاکمه برای کسب قدرت سیاسی و پیشبرد راههای گونه گون در جهت حل معضلات حرکت سرمایه در ایران دو جناح را به جنگ رودر رو کشانده بود.

لیبرالها که علیرغم تهاجمات جناح دیگر هنوز موقعیت مسلط خویش را حفظ کرده بودند با مجلس خبرگان و قانون اساسی ساخته و پرداخته آن حاکمیت سیاسی خویش را در خطر میدیدند. موج تعرضی که لیبرالها توسط حزب خلق مسلمان در تبریز و تهران برآه انداختند تماماً متوجه جناح حزب جمهوری اسلامی بود. لیبرالها

۲ - لیبرالها با تبلیغات خویش بر ضد جناح دیگر موقعیت را برای حمله به مواضع رقیب فراهم میآوردند .

۳ - جنبش انقلابی توده ها در این مقطع بیانگر رشد ناراضایتی بطور وسیع از رژیم در میان زحمتکشان بود . توده ها بطور مشخص و ملموس و در پراتیک روزانه خویش اعمال ارگانها و نهادهای دولتی را مورد تجزیه قرارداداده و بارستم و ظلم این ارگانها را بر دوش خویش حس مینمودند .

بر بستر چنین شرایطی است که " حزب یون " برای حفظ و تحکیم موقعیت خویش در قدرت سیاسی ، برای طرد هر چند نسبی جناح دیگر حکومتی و برای تحمیل توده ها و سوء استفاده از احساسات ضد امپریالیستی زحمتکشان و بالاخره برای جا - یگزین نمودن خود بجای لیبرالها در برابر آمریکا به اشغال سفارت دست میزند .

در این مقطع دولت بازگان سقوط کرد و کار اداره دولت به عهده شورای انقلاب که ترکیبی از دولت و اعضای سابق شورا بود و اگذار گردید . در اولین قدم " حزب جمهوری اسلامی " توانستند پیروزی نسبی بدست آورند .

مضمون مبارزات " ضد امپریالیستی رژیم " و بروز

گرایشات رویزیونیستی در جنبش کمونیستی

حرکت اشغال سفارت در فرایند مبارزه طبقاتی و در عرصه های گوناگون آن اثرات عمیقی بجای گذارد . و بطور مشخص در هیئت حاکمه ، در جنبش انقلاب بی توده ها و در درون جنبش کمونیستی تبلورات خویش را به بارزترین شکلی نشان داد .

مسئله سفارت در تغییر و تحولات درون هیئت حاکمه نقش بسزائی را بازی کرد و سبب گشت که " حزب جمهوری اسلامی " با استفاده از این مسئله و سوار شدن بر این حرکت اولاً به افشای جناح دیگر پرداخته و موقعیت خویش را در قدرت سیاسی مستحکم سازد و ثلاً نیا توانست در این مقطع توده ها را به زیر پرچم دروغین " مبارزه ضد امپریالیستی خویش " بکشانند . در این رهگذر عده ای از لیبرالها که ماهیت شان تا حدود زیادی برای توده ها توسط نیروهای انقلابی روشن شده بود افشاء شدند ، اما نکته مورد توجه این است که جناح حاکم در این دوره حتی جرئت این را نداشت که بطور همه جانبه دست به افشه رقیب بزند زیرا موقعیت خود وی در خطر قرار میگرفت و این مسئله خود از طرفی در رابطه با مبارزات توده ها و خواستهایشان که از جمله افشای تمامی روابط خائنه سران کشور با امپریالیسم آمریکا بود در تضاد قرار گرفت . جناح حاکم با محکم کردن خویش

در حاکمیت می خواست که به مسئله گروگانگیری فیصله بخشد . اما چیزی که وی را به هراس می انداخت عکس العمل توده ها بود .

نکته دوم در رابطه با جنبش انقلابی توده ها ، باید بگویم که جنبش توده ها و مبارزه آنان با هیئت حاکمه در مقطع چند ماه ای پس از اشغال سفارت به رکود نسبی دچار شد . چرا که باردیگر بر بار توهمات توده ها نسبت به رژیم افزوده گشت . این نکته را در رابطه با نقش جنبش کمونیستی در این میان بیشتر خواهیم شکافت ، در هر صورت توده ها در ادامه این حرکت چه در رابطه با پراتیک عینی خویش در مبارزه طبقاتی و چه از طریق آگاهگر بهای نیرو - های انقلابی و کمونیست توانستند تا حدودی به ماهیت این حرکت پی برند و بار دیگر قدمهای استوار خویش را به پیش نهند .

و اما در جنبش کمونیستی مسئله سفارت به گسست های بسیاری در درون این جنبش و به روشن شدن مرزبندیهای فراوانی از جنبه های گوناگون بین مارکسیسم و اپورتونیسم کمک کرد . جنبش کمونیستی که تا مقطع سفارت هم خود را افشاگری از ماهیت رژیم قرار داده بود با شروع مسئله سفارت مواجه بار شد گرایشات رویزیونیستی شدیدی در میان خود گشت . جریانات گوناگونی در درون جنبش و شاخص ترین آنان سازمان چریکهای مدائی خلق که گرایشات اپورتونیستی در تئوریهایشان بطور تقریباً مسالمت آمیز تا بمقطع سفارت رشد کرده بود . در این تند پیج سریع مبارزه طبقاتی به عربانترین شکلی خود را نشان داد و با تأیید اینکه جناحی از دولت " ضد امپریالیست " است به یاری هیئت حاکمه شتافتند . ما برای شکافتن واقعیت این " مبارزه ضد امپریالیستی " بر روی این مسئله مکث بیشتری میکنیم .

مسئله ای که عمدتاً در درون جنبش کمونیستی توسط رویزیونیستها عنوان میگردد و بداخل جنبش کمونیستی نیز نشت کرد مسئله " خرده بورژوازی حاکم " و ضدیت آن با امپریالیسم بود . ما در مورد ماهیت " سران خرده بورژوازی حاکم " در همین مقاله بحث کرده و روشن نمودیم که اساساً اینان تاریخانگی جز پاسداری از سیستم نمیتوانستند داشته باشند و اما در مورد " خملت ضد امپریالیستی " اینان باید ببینیم اساساً مبارزه ضد امپریالیستی به چه مفهوم است ؟ لنین در این رابطه میگوید :

" جنگ امپریالیستی سال ۱۸۹۸ علیه اسپانیا در ایالات متحده موجب پیدایش اپوزیسیونی از ضد امپریالیستها " گردید اینها آخرین موهیکان های دمکراسی بورژوازی بودند که این جنگ را تبهکارانه مینامیدند ، ولی مادامکه این انتقاد کنندگان از اعترافات ناگستنی بودن ارتباط امپریالیسم با تراستها و بنابر این با ارگان سرمایه داری واهمه داشتند و ما دامکه از گرویدن به نیروها شکیه به توسط سرمایه بزرگ و در نتیجه تکامل آن بوجود میآیند هر اسناک

مفش و در هم خویش و با اختلافات روبه‌تزايد در درون این بلوک نمیتوانست به این شکل، مطلوب امپریالیسم باشد. حمایت امپریالیسم از لیبرالها و سعی برای تأمین هژمونی یکپارچه آنان بر قدرت سیاسی از این جهت ناشی میگشت زیرا لیبرالها از طریق سرمایه هایشان با امپریالیسم آمریکا پیوندهای طبیعی تری داشته و بهتر و مطمئن‌تری نتوانستند از منافع دراز مدت امپریالیسم در ایران پاسبانی کنند. در صورتیکه سران خرده بورژوازی در حکومت فاقد چنین پیوند عمیقی بودند کوشش این جناح برای تثبیت خویش در قدرت سیاسی و جنگ قدرتی که با جناح دیگر داشت نمیتوانست وی را به ضدیت با امپریالیسم که به حمایت از رقیب برخاسته بود نکشاند. اما باید بگوئیم که این ضدیت

صرفاً و فقط در محدوده جایگزینی خویش بجای لیبرالها برای معامله با امپریالیسم و تثبیت خویش در قدرت سیاسی بود نه چیزی فراتر از این، پراتیک اینان در سازش با امپریالیسم و آزادی گرو-گانها که در سطور آینده بدان خواهیم پرداخت بر این گفته ما صحه میگذارد.

اما اگر این نکته روشن است که اقتصاد ایران سرمایه داری وابسته به سیستم امپریالیستی است و قدرت سیاسی حاکم (هر دو جناح) بر مائشین دولتی ساخته و پرداخته این سیستم سوارند بنا بر این تفادهای اینان با امپریالیسم نمیتواند فراتر از انتقاد به عملکردهای فرعی و جنبی سرمایه مالی برود. زیرا که از نقطه نظر طبقاتی و از لحاظ جایگاهی که در قدرت سیاسی و بر فراز مناسبات حاکم در ایران احراز کرده اند نمیتوانند دست به چنین مبارزه ای بزنند.

این آموزشهای لنین است پیرامون مبارزه ضد امپریالیستی، اما برای کسانی که طوق بورژوازی را بگردن انداخته اند و با تکرار مکرر نام این آموزگاران بزرگ بر ضد آموزش آنان برخاسته اند.

بهر حال مسئله سفارت جنبش کمونیستی را واداشت که به تحلیلی همه جانبه از تئوری مارکسیستی دولت و بررسی ماهیت طبقاتی رژیم حاکم دست بزنند. و در این رهگذر تنها نیروهایی توانستند از کوران مبارزه سرافراز بیرون آیند که به آموزشهای مارکسیسم - لنینیسم وفادار مانده و با تئوریهای اپورتونیستی مرزبندی نمودند، در این میان جریانهایی هم بودند که هر چند متزلزل و مردد اما در این مقطع نتوانستند گلیم خود را از آب بیرون کشیده و از افتادن به گرداب رویزیونیسم نجات یابند اما اثرات این آشفته فکری عظیم که مدت‌ها جنبش کمونیستی را بخود مشغول داشت باعث گشتن جنبش کمونیستی نتواند با خط مشی صحیح و اصولی

بودند - انتقادشان از امپریالیسم بطور

عمده کماکان جنبه "خواهشهای معصومانه داشت

(لنین "امپریالیسم بمثابه بالاترین... منتخب

آثار صفحه ۴۳۳)

معیارهای لنین برای مبارزه ضد امپریالیستی

بر دو پایه استوار است:

۱ - انتقاد از امپریالیسم باید با انتقاد

از کل سرمایه داری همراه باشد.

۲ - انتقاد کننده باید حتما در اردوگاه

نیروهایی باشد که بتوسط سرمایه بزرگ و در نتیجه

تکامل آن بوجود میآیند و برای از بین بردن کل

سرمایه داری قادر به مبارزه اند یعنی طبقه کارگر

و زحمتکشان در غیر این صورت انتقاد از امپریالیسم

پوچ و بی معنی بوده و جنبه های بی اثر

از خواهشهای معصومانه ندارد، و باز لنین عنوان

میکند دمکرات واقعی در عصر امپریالیسم کسی است

که از گام برداشتن بسوی سوسیالیسم (مبارزه علیه

سرمایه داری) نهراست.

حال در جامعه سرمایه داری وابسته ایران رژیم

حاکم و مشخصاً "سران خرده بورژوازی حاکم"

چه حرکتی بر مبنای موازین بالا در مجموع پراتیک

خویش قبل و بعد از اشغال سفارت برداشتند؟ پراتیک

اینان جز سرکوب مبارزات کارگران و زحمتکشان که بر

علیه ستم سرمایه و ستم سیاسی پاسداران حافظ سرمایه

مبارزه میکردند، چه بود؟ کجا پس از اشغال

سفارت کوچکترین قدمی در جهت ضدیت با سرمایه داری

توسط اینان برداشته شد؟ آیا هر کارزار تبلیغاتی

و هر های و هوی پوچ و بی محتوا را میتوان مبارزه

ضد امپریالیستی نام نهاد؟ یا باید مشخصاً به پراتیک

احزاب سیاسی و جناحهای مختلف حکومتی رجوع کرد و

با تجزیه و تحلیل از این پراتیک به ماهیت واقعی

این جریانات پی ببرد؟

ما منکر اختلاف امپریالیسم با رهبری خرده بورژ-

وازی مرفه سنتی نیستیم اما مسئله بر سر این است که مضمون

این اختلاف چیست؟ و آیا اختلافات صوری این جناح

با امپریالیسم را باید به مبارزه ضد امپریالیستی

تعبیر کرد؟ همانگونه که گفتیم امپریالیسم برای

اینکه شرایط زیست سرمایه مالی را که توسط بحران

سیاسی توده ها قبل و بعد از قیام بشدت مختل شده

بود از نو فراهم آورد بدولتی نظر داشت که بتواند

بحران سیاسی جامعه را که پیش شرط خل بحران

اقتصادی سرمایه در ایران گشته بود حل نماید. به

حکومتی احتیاج داشت که بتواند با عملکردی یکپارچه

و منجمد دیکتاتوری سرمایه را بر بستر کشتار و سر-

کوب خونین زحمتکشان و کارگران استوار ساخته

از این طریق زمینه را برای تأمین منافع خویش

هموار سازد. اما هیئت حاکمه ایران با وضعیت

جنگ، قحطی، گرانی، ارمغان جمهوری اسلامی

بطور همه جانبه در رابطه با این حرکت مواضع خود را به میان توده ها ببرد و از طرف مروج جریان اپورتونیستی نوین (چریکهای فدائی خلق " اکثریت ") و سمتگیری آنان بسوی بورژوازی در رکود نسبی جنبش توده ها و کمک به تعمیق توهم آنان کار ساز بود .

اشغال سفارت آنجا که به تصفیه حساب موقتی دو جناح منجر شد فروکش کرده و آنگاه بصورت مسئلهای در آمد که هر از چند یکبار به مناسبتی توسط جناحهای حکومتی طرح گردیده و در خدمت مبارزات درونی آنان قرار میگرفت . اما پی آمد اشغال سفارت یعنی محاصره اقتصادی رژیم و ... اثرات خویش را بر تعمیق بحران اقتصادی جامعه بر جای گذاشته در گریو دار این مسئله رفتارندم قانون اساسی و پی آمد آن انتخابات " ریاست جمهوری " آغاز گشت در رابطه با رفتارندم قانون اساسی علیرغم اینکه درست در شرایطی برگزار میگردد که تب و تاب " مبارزه ضد امپریالیستی " رژیم در جریان بود باز هم حکومت به نتیجه انتخابات امید چندانی نداشت و دست به انواع تشبیهات گوناگون زد :

آیت الله خمینی عنوان کرد که برای قانون اساسی در آینده متمم در نظر گرفته خواهد شد و بعضی از اصول آن اصلاح خواهد گردید و از طرفی عنوان نمود که وی رای مثبت به قانون اساسی داده و " وظیفه شرعی " مسلمین را نیز تأیید این قانون اساسی معین نمود . این هماهنگی بیانگر ضعف و زبونی رژیم در برابر جنبش انقلابی توده ها بود .

بهر صورت علیرغم اینکه بخشی از لیبرالها به رهبری آیت الله شریعتداری رفتارندم قانون اساسی را تحریم کردند و علیرغم زد و خوردها شیکه در آذربایجان بر سر مسئله قانون اساسی رخ داد قانون اساسی نیز همچون رفتارندم ها و انتخابات قلابی گذشته از دور تصویب گذشت .

در این دوره تاکتیک اصولی ایکه کمونیستها در قبال مسئله رفتارندم قانون اساسی اتخاذ کردند تحریم و عدم شرکت در انتخابات بود اما در مندرجه از سوی رژیم بیانگر نزول فاحش تعداد رای دهندگان نسبت به انتخاب پیشین بود .

انتخابات ریاست جمهوری رژیم

رژیم که بزعیم خویش میخواست پایه های حکومت قانونی خویش را استوار سازد و در صد بود که ارگانهای " قانونی " کردن خویش را هر چه زودتر استوار نماید . انتخابات ریاست جمهوری به فاصله کوتاهی پس از رفتارندم مجلس خبرگان صورت پذیرفت . در این میان کاندیداهای گوناگونی از طرف جناحهای حکومتی و جریانهای سیاسی با بعرضه این مبارزه پویشالی گذاردند .

در این میان بنی صدر تازه از فرنگ برگشته ای که سالیهای خفقان و دیکتاتوری محمدرضا شاهی را بنا خیال راحت در اروپا گذارنده بود توانست آراء مردم را بسود خویش جمع آوری کند . در رابطه با عمل پیروزی بنی صدر صرف نظر از مسائل جنبی و کناری چون عدم شرکت منسجم حزب جمهوری در انتخابات و افشای نامزد انتخاباتی حزب جلال الدین فارسی توسط جناح رقیب و خارج شدن وی از دور انتخابات باید به وضعیت عینی و ذهنی توده ها در مقطع انتخابات توجه داشت در این دوران مشکلات اقتصادی رژیم و بحران سرمایه گماکان با شدت بسیار برگرد زحمتکشان و کارگران فشار وارد میساخت . مسئله اقتصادی گماکان بصورت مسئله روزمره توده ها مطرح بود بیکاری در ابعاد وسیع و خردکننده اش ، تورم و گرانی ، تعطیلی بسیاری از کارخانجات و موسسات صنعتی و از طرف دیگر ستم بیحد و حصر ارگانهای سرکوب دولتی موجب ناراضی شدید و همه جانبه توده ها را فراهم آورده بود . افشاگری جناح حزب از لیبرالها و افشای ماهیت حزب بطور نسبی در میان توده ها از دیگر زمینه هائی است که باید به آن تاکید داشت . بنی صدر که تا پیش از انتخابات ریاست جمهوری عمدتا خود را در چهارچوب یک متخصص مسائل اقتصادی نمایانده و از درگیر شدن جدی و علنی در مصادر امور اجتناب ورزیده بودو با حفظ ظاهر حتی با لیبرالها " به مرزبندی " پرداخته و " بر علیه " سیاستهای آنان قلمفرسایی کرده بود خود را به صورت عنصری مستقل از دو جناح به توده ها نمایانده بود ! بنی صدر در این مقطع با طرح شعارهای حل مسائل اقتصادی و رفاهی ، امنیت قضائی از بین بردن بیکاری ... به میدان آمد . و عمدتا بر بستر چنین زمینه هائی بود که توانست آراء توده های متوهم را نسبت به خویش جلب کند .

بهر حال مطرح شدن بنی صدر بعنوان رئیس جمهور در کالبد نیمه جان لیبرالها روح تازه ای دمید و هنوز اندکی از پروسه حرکت بنی صدر گذشته بود که وی بعنوان نماینده و سخنگوی لیبرالها از طرف این جناح پذیرفته شد .

پس از روی کار آمدن بنی صدر میتوانیم چند دوره را بطور مشخص مورد بررسی قرار دهیم :

۱ - دوره مشترک با شورای انقلاب - بنی صدر در این مقطع که انتخابات مجلس انجام نیافته و نخست وزیر تعیین نگردیده بود به عنوان رئیس شورای انقلاب بر راس این ارگان اجرایی قرار گرفت . تعارضات درون این شورا گماکان رو به حدت یابی بود جنبش انقلابی توده ها در این دوره بسرعت رو به عمق یابی میرفت ، مبارزات خلق کر دبا پشتیبانی وسیع تبلیغاتی و مادی از سوی نیروهای جنبش بصورت مسئله روز در آمده بود . رژیم از طرفی مواجه با رشد روز افزون اعتراضات و جنبشهای توده ای بر علیه خویش بود و از سوی دیگر نیروهای کمونیست و انقلابی با تشدید فعالیتهای خویش در عرصه های مختلف و با تبلیغات گسترده در کارخانه ها ، روستاها و دانشگاه

که از دانشگاه تهران و دفاتر سیاسی به دفاع بر-
خاسته بودند ماهیت کریه و ارتجاعی حرکت خویش را
آشکار ساخت. اول اردیبهشت صفحه ننگینی بر کارنامه
سیاه رژیم افزود. خون شهدای روز مقاومت دانشگاه
که سمبل مبارزه کمونیستها در راه دموکراسی انقلابی بودند
صحن دانشگاه را رنگین ساخت. بنی صدر در روز بعد
در چمن دانشگاه به خون کشیدن انقلابیون کمونیست را
جشن گرفت و آنروز را روز استقرار حاکمیت جمهوری سلا-
می نام نهاد.

گذشته از رسوایی عظیمی که عملکرد رژیم در میان
توده ها به بار آورد باید نظری هر چند مختصر نیز به
روش جنبش کمونیستی و انقلابی در بر خورده به این-
مسئله بپردازیم.

روز مقاومت دانشگاه بار دیگر صف نیروهای پیگیر
و ناپیگیر را از هم جدا ساخت. مجاهدین خلق بروشنی
خملت سازشکارانه خویش را بنمایش گذاردند و بدون این
که کوچکترین گامی در جهت کار تبلیغی و مقاومت بر-
داشته باشند عرصه مبارزه را ترک گفتند. در مرحله
بعد سازمان چریکهای فدایی خلق در میانه کار به معا-
شات و مذاکره با هیئت حاکمه پرداخت و با بنی صدر به
گفتگو نشست.

مسئله دانشگاه و سرکوب وحشیانه دانشجویان
انقلابی و کمونیست توسط رژیم بار دیگر سوابه های
" جناح ضد امپریالیست " و آزادیخواهی جناح دیگر
هیئت حاکمه را در هم نوردید. اما این عملکرد هیئت
حاکمه نمیتوانست تنها زمینه را برای اصلاح ثنوریهای
نا درست بخشهایی از جنبش که اپورتونیزم آنان ریشه
دار نبود فراهم سازد نه برای جریاناتی همچون سچفا
و غیره که اپورتونیزم در رگ و پیک آنها ریخته دوانده
بود. همانگونه که انتظار میرفت بدنبال یورش به
دانشگاه حمله سراسری و همه جانبه به کردستان نیز
آغاز گشت.

بنی صدر که امروز نیروهایی همچون مجاهدین به
زیر پرچم دروغین آزادیخواهی او سینه میزنند اعلام
کرد که سربازان ارتش نباید چکمه های خود را از پا در
آورند تا زمانیکه " ضد انقلاب " در کردستان نابود
نشده است. طرح مسئله خلع سلاح نیروهای سیاسی و طرح
شار سال امنیت همانگونه که در قبل آوردیم از دیگر
برنامه های ارائه شده از طرف رژیم برای سرکوب
انقلاب بود.

دور نمایی که از قدرت سیاسی حاکم در این دوران
میتوان ترسیم کرد از این قرار است جناح ح-
جمهورية اسلامی حاکم چشم به انتظار تشکیل مجلس شورای
خویش از طریق مجلس بود و لیبرالها نیز در صدد بودند
تا پیش از تشکیل مجلس، مجاری اصلی را قبضه کنند.
طرحی که بنی صدر راجع به انتخابات نخست وزیری پیش
از تشکیل مجلس و تعیین سرپرست رادیو و تلویزیون به
خمینی ارائه داد در همی رابطه بود. موافقت ظاهری
خمینی با این مواد و گذاردن هزارویک مانع قانونی و شرعی
در عمل پیش پای اجرای این مفاد عملاً نقشه لیبرالها
را نقش بر آب ساخت. تضادها همچنان رو به حدت موقت.
هر چند نتایج انتخابات مجلس که همراه آنها

ها بر این آتش میدیدند. بنی صدر و آیت الله خمینی
در پیام نوروزی خویش (نوروز ۵۹) خطوط کلی سیاست
خویش را برای سال آینده مشخص نمودند. نکات
برجسته هر دو پیام تاکید بر سرکوب و قلع و قمع
جنبشهای انقلابی و بخصوص جنبش خلق کرد داشت، سال
۵۹، سال امنیت (امنیت برای سرمایه داران) و سال
تولید بیشتر (استثمار وحشیانه کارگران) نامیده شد.
به دنبال این اتمام حجت ضد انقلاب به انقلاب، رژیم
که تدارک حمله نوینی به کردستان را در سر بی-
پروراند میبایستی که در ابتدا و پیش از آن به کانال
های تبلیغاتی و کلا جنبش دموکراتیک توده های تحت ستم
ضربه وارد آورد.

حزب جمهوری برای این پایه و بر مبنای پیشی گرفتن
از رقبای خویش طرح حمله به دانشگاهها و تسخیر آنان
راتهیه نمود. همانگونه که گفتیم این طرح در حقیقت
با درهم کوبیدن سنگر مستحکم دانشگاهها که از طریق آن
دانشجویان کمونیست و انقلابی بلندگوی افشاکری رژیم
و زبان کارگران و زحمتکشان شده بود میتواندست پیش
شرطهای حمله به دیگر جنبشهای انقلابی و نهادهای
دموکراتیک را فراهم آورد. اما طرح حزب جمهوری پیش
از اجرای آن افشا گردید.

جناح دیگر حکومت به رهبری بنی صدر برای سوار
شدن بر حرکتی که در اساس با آن موافقت داشت اما
تحت رهبری خویش بدست و پا افتاد. کار به ششورای
انقلاب ارجاع گردید و قرار بر این شد که دانشجویان
ظرف مدت تعیین شده دفاتر سیاسی را تخلیه کنند. و
بنی صدر این مهره ای که امروز دم از آزادیخواهی و دمو-
کراسی میزند قرار بر این گذارد که در روز نور پیروی
خویش را در دانشگاه جشن بگیرد. روشن بود که بنی صدر
با دور اندیشی بورژوازی خویش قصد داشت اولاً رهبری
این حرکت را خود بعهده بگیرد و دست رقیب را در
این میانه ببندد. و ثانیاً با اتکا به توهم توده ها
این سنگر آزادی را به تسخیر ارتجاع در آورد. انقلاب
فرهنگی کذایی که رژیم تحت این لوا دانشگاه را آماج
حمله قرار داده بود در روزهای یورش بدانشگاه ماهیت
واقعی خویش را در لابلای گفتار سردمداران رژیم بخوبی
نمایان ساخت بنی صدر در مقاله ای در این رابطه نوشت
" بنابراین باید بهوش بود و با تمام قوا کوشید
تا کارها از مجرای قانونی انجام پذیرد و گرنه
دانشگاهها را از دست رفته باید شمرد برای
ما جای تردید نیست که اگر تصمیم ششورای
انقلاب به اجرا در نیاید دانشگاهها دیر یا
زود سنگر مخالفان خواهد شد "

(مقاله بنی صدر در رابطه با اجرای دانش.

گاهها - اطلاعات اول اردیبهشت ۵۹)

مسئله روشن بود دانشگاهها به سنگر مستحکمی
برای کمونیستها و نیروهای انقلابی در مبارزه علیه
رژیم بدل گشته بود و میبایست این " لانه های فساد "
از قول آیت الله خمینی بسته شود. رژیم در آن زمان
سعی بسیار کرد که مسئله را تغییر نظام آموزشی قلمداد
نماید اما در برابر مقاومت پولادین دانشجویان انقلابی

فهیئت بیما بقه هیئت حاکمه در تقلب آشکار در انتخابات، لغو انتخابات در شهرهای کردستان (که انقلاب بیون کمونیست با آرا شکننده ای از این شهرها برگزیده میشوند) و کاهش آشکار شرکت کنندگان در انتخابات، ظاهر را پیروزی برای جناح جناح بود اما در عمل رویگردانی بیش از پیش توده ها را از هیئت حاکمه نشان میداد. با شروع کار مجلس اختلا فات درون هیئت حاکمه ابعاد تازه ای یافت شکل گیری علنی مبارزه بر سر قدرت و افشای دو جناح هیئت حاکمه توسط یکدیگر محمل مناسبی برای افشای کل هیئت حاکمه از طرف کمونیستها و انقلابیون فراهم آورده. مضمون منازعات این دوره را انتخاب نخست وزیر و وزراء تشکیل میداد. لیبرالها سرانجام در برابر فشار جناح دیگر تسلیم شده و تن به انتخاب رجایی نمایند. جناح رقیب با عنوان نخست وزیر دادند. کشمکش بر سر تعیین وزراء مضمونی است که تا کنون نیز علیرغم تعیین بسیاری از آنان کماکان با برجاست.

با تشکیل مجلس و انتخاب نخست وزیر کفه قدرت بسوی جناح حزب غلطید. بنی - صدر و لیبرالها که تا دیروز دم از کشتار و سرکوب بیرحمانه انقلاب و انقلابیون میزدند این بار در پی برده دروغین دموکراسی بورژوازی خود را نهان ساختند تا از این طریق با جلب حمایت توده ها ثی که از ظلم و ستم بی حد ز خمر سیاسی بجان آمده بودند محملی برای تحکیم خویش در قدرت سیاسی بیابند. لیبرالها با طرح شعار " عدم امنیت قضائی، " جناح جناح را متهم مینمودند که شرایطی بوجود آورده است که در این شرایط تولید نمیتواند سازمان یابد و از این طریق آنان را همراه و همگام " فدائیان " قلمداد میکرد.

لیبرالها بخوبی دریافته بودند که جنبش اوج یابنده توده ها می رود تا تمامی نظام را درهم کوبد تلاش اینان برای مهار زدن بر جنبش انقلابی زحمتکشان تحت لوای " مظلومیت نمائی " و دموکراسی مآبی بورژوازی مفهوم و مضمونی جز این نداشت و از این طریق جناح دیگر در قدرت را نیز با اتکاء به همین توده ها بزرگ ضربت خویش میگرفتند. هر قدر که حزب جمهوری اسلامی دست بر مواضع بیشتری میگذارد (از جمله رادیو و تلویزیون و ...) و سعی در محدود کردن جناح دیگر میکند، " آزادیخواهی " لیبرالها بیشتر عود میکند. توده ها که در پراستیک روزانه خویش خفقان سیاسی را در تمامی عرصه ها، در کارخانه ها، ادارات، و... با گشت و پوست خنثود لمس میکردند بلحاظ نبود آلترناتیو پرولتاری مستمکی که آنان را به زیر پرچم دموکراسی پرولتار یائی گرد آورد به دامان بورژوازی در غلطیدند. از جانب دیگر وجود قطب مستحکم رویزیونیسم و نیز گرایشات آشکار و نهان اپورتورنیستی، رویزیونیستی در درون جنبش کمونیستی کمک به نبود چنین آلترناتیوی در سطح جنبش نمود. از سوی دیگر

جریانی همچون سازمان مجاهدین خلق که از پای توده ای وسیعی برخوردار است زمینه های لیبرالیسم در درونش بشدت تقویت گردیده و تا دنباله روی کور - مورانه و محض در بسیاری از موارد از بورژوازی - لیبرال کشیده شده و اداران سازمان مجاهدین در این مقطع همچون سیاهی لشکر میتینگهای بنی صدر در تمامی شهرهای ایران حضور خود را نشان دادند و بر اساس بینشی غیر طبقاتی به جای نشانه گرفتن کل روابط موجود یعنی سیستم سرمایه داری وابسته و نتیجتا مبارزه علیه هر دو جناح هیئت حاکم به مبارزه ای رو بنائی بر ضد باصطلاح " انحمار طلبی " حزب جمهوری پرداختند. همان خطی که لیبرالها نیز در تمامی افعالشان بر علیه جناح رقیب بکار میبردند.

در گریه دار چنین اوضاع و احوالی است که ما به یکی از مهمترین مراحل رشد و تکوین مبارزه طبقاتی در جامعه مان میرسیم جنگ ایران و عراق مسئله جنگ بلحاظ اهمیت فراوانی که همچون مسئله سفارت در مرز بندی بین مارکسیسم و اپورتو نیسم در نیروهای جنبش کمونیستی از یکسو و بلحاظ تاثیر عمیق و همه جانبه اش بر روند مبارزه طبقاتی و شکل گیری فاکتورهای نوینی در این رابطه، میباشد که مورد تحلیل بیشتری واقع گردد.

مادر این باره در نشریات خویش در گذشت مفعلا و بطور همه جانبه بحث کرده ایم و در اینجا بذکر مختصر اکتفا خواهیم کرد

جنگ رژیم ایران و عراق

جنگ ایران و عراق در شرایطی آغاز گشت که جامعه ایران بحرانی ترین روزهای سیاسی خویش را پس از سفا رت میگذراند. بحران اقتصادی جامعه کماکان روبه عمق میرفت. گرانی و حشمتناک قیمت ارزاق عمومی و تورم بی سابقه دامنگیر زحمتکشان و توده های تحت ستم بود. از طرفی در عرصه سیاسی رشد بیش از حد خشم و تنفر توده ها از مظاهر ستم سرمایه که خود را بصورت اخراج کار - گران انقلابی از کارخانجات، اخراج معلمین و کارمندان انقلابی از ادارات حملات وحشیانه به دهک داران و کتاب فروشها و دستگیری عناصر کمونیست و انقلابی وابسته به جریانات سیاسی، تعدیات ماموران دولتی که توده ها بطور روزمره و در پراستیک عینی خویش با آن موا جه بودند. جو نفرت و انزجار را بر علیه هیئت حاکمه و بخصوص جناح حزب جمهوری برانگیخته بود. تبلور و حشمت رژیم از جو موجود در جامعه را میتوان در سر خورد هیئت حاکمه به مسئله بازگشایی مدارس بطور واضحی مشاهده کرد. رژیم که پیشاپیش میدانست که مدارس به سنگر مستحکمی برای انقلابیون و کمونیستها در مبارزه علیه هیئت حاکمه مبدل خواهد شد، به تاکتیک های متفاوتی دست زد. ابتدا و پیش از بازگشایی مدارس اعلام نمود که شورا های مدارس قانونیت ندارد و بدنبال آن مسئله ممنوعیت فعالیت سیاسی در مدارس را

عنوان نمود اما ارتجاع آنچنان وحشت زده بود که نمی توانست به تاکتیکهای فوق بسنده کند. و اعلام کرد که دانش آموزان باید هنگام ثبت نام تعهد عدم فعالیت سیاسی در مدارس آ مضاء نمایند. علاوه بر این بمدت یکماه تمامی دستگاههای تبلیغاتی رژیم به فعالیت وسیعی علیه کمونیستهای و انقلابیون مشغول گشتند و در رابطه با مدارس خطر "فدائیانقلاب" را مکرر در مکرر یادآور شدند. مسئله تا بدانجا پیش رفت که طرح به تعویق انداختن بازگشائی مدارس نیز مطرح گردیده اما از ترس عکس العمل توده ها قرار بر این گشت که موقتا مسکوت بماند.

نمونه بالا را بدین خاطر آوردیم که نشان دهیم ضدانقلاب در چه شرایطی در برابر جنبش انقلابی توده ها قرار داشت بر بستر چنین اوضاع و احوالی جنگ بین ایران و عراق درست در روز بازگشایی مدارس آغاز گردید ما زمینه های سیاسی و چگونگی بروز جنگ بین ایران و عراق و تبیین غیر عادلانه بودن جنگ را در مقالات متعدد دی چه در راه سوسیالیسم وجه در شماره های مختلف "نبرد" آورد ایم و در اینجا به این مطلب نمیپردازیم. اما زمینه های که بیشتر مورد نظر ماست برخورد هیئت حاکمه به مسئله جنگ میباشد.

رژیم با شروع جنگ ایران و عراق تبلیغات تشدید ناسیونالیستی را در میان توده ها دامن زد و در باره ضرورت دفاع از "میهن انقلابی" و... تبلیغات فراوانی از سوی رژیم صورت گرفت اما در این رهگذر هیئت حاکمه سعی داشت مسئله جنگ را بعنوان مناسبترین محمل به ضد جنبش انقلابی بکار گیرد. بدین لحاظ با اعلام شرایط جنگی، اولاً هر نوع تبلیغ و ترویج نیروهای کمونیست و انقلابی و هرگونه فعالیت آگاهرانها از سوی رژیم بنا به "مقتضیات جنگی" به دادگاه های زمان جنگ محول گردید. شدیدترین تصمیمات اقتصادی در این رابطه نیز ضد توده ها به اجرا درآمد طرح جیره بندی مواد غذایی ضروری مردم، چند برابر شدن قیمت اجناس مورد نیاز زحمتکشان، سه برابر شدن قیمت بنزین و جیره بندی آن بیانگر فقر و فلاکت بی سابقه ای بود که رژیم بر کارگران و زحمتکشان تحمیل مینمود.

از سوی دیگر اخراج بسیاری از کارگران از کارخانجات، بالا بردن ساعات کار از ۸ ساعت به ۱۲ ساعت با همان حقوق سابق و... زمینه های دیگری از تشدید بحران و فشار اقتصادی بر کارگران و زحمتکشان را به نمایش گذارد.

در حقیقت جنگ از طرفی به حلقه ای در دست هیئت حاکمه بدل شد که زمینه های سیاسی برای تثبیت و استحکام حاکمیت خویش را با انحراف اذهان توده ها از مبارزه اصلی خویش بر ضد رژیم بدست آورد و این با علم کردن شرایط جنگی و در این رابطه سرکوب هرگونه حرکت دمکراتیک و دامن زدن به احساسات ناسیونالیستی توده ها میسر میگشت و از سوی دیگر تشدید استثمار و وحشیانه کارگران و زحمتکشان از رهگذر جنگ با بالا بردن ساعات کار در کارخانه ها و مراکز تولیدی و تقلیل حقوقها و بالاخره بالا بردن تعدادی قیمت ارزاق عمومی در خدمت جل بحران اقتصادی به شیوه بورژوازی قرار میگرفت.

اما مسئله بدینجا ختم نمیشود اگر جنگ بلحاظ تبلیغات ناسیونالیستی رژیم میتواند در خدمت سرکوب مبارزات پرولتاریا و استحکام نهادهای دولتی رژیم (از جمله ارتش) برآید. سوی دیگر قضیه تشدید بحران اقتصادی وی بلحاظ شروع این جنگ ارتجاعی است هزینه ای که در رابطه با تسلیحات نظامی بکار گرفته شده در جنگ از سوی رژیم صرف گردیده است. مراکز مهم صنعتی که در اثر جنگ ارتجاعی نابود گشته اند فراتر از آنست که به حساب آید. این موارد زمینه های عینی رشد جنبش توده ای را بصورت حرکت های خود بخودی و مطالبات اقتصادی - سیاسی مهیا میسازد. و براستی نیز که چنین شد. تبلیغات رژیم در رابطه با جنگ بیش از یکماه برد نداشت و سرانجام زمزمه ها از هر سو آغاز گشت. جنبش دانش آموزی که همراه را آغاز حرکت خود قرار داده بود با تاخیری یکماه به حرکت درآمد، رشد بی سابقه نا رضایتی ناشی از جنگ ارتجاعی سرعت خود را در زمزمه ها و بحث های خیابانی و سپس در حرکات اعتراضی کارگران و زحمتکشان نشان داد. موج حملات وحشیانه رژیم که در رابطه با جنگ میخواست کار نیروهای انقلابی و کمونیست را یکسره سازد باعث تشدید این مبارزات گردیده، شهرهای شمال، صحنه بر خوردهای خونین بین مزدوران رژیم و نیروهای انقلابی گردید. و در شهرهای دیگر و بخصوص تهران رژیم برای سرکوبی جنبش دانش آموزان دسته های چماقدار به مدارس روانه کرد. جنگ در کردستان پس از بمباران و حمله به شهرهای آن مناطق تشدید یافت.

وضعیت درونی هیئت حاکمه که در آغاز جنگ خیر از آرامشی ظاهری داشت با ادامه جنگ و تشدید مبارزات توده ها بار دیگر خود را بصورت حادث ترین شکل برخورد بین جناحین نشان داد. سخنرانی بنی صدر در روز عاشورا اعلام جنگی علنی بود به جناح دیگر رژیم، بنی صدر در مقالات و سخنرانی های متعدد خویش دولت رجایی و حزب جمهوری را به کار شکنی و ندانم کاری متهم کرده و مسئولیت عدم حرکت اصولی چرخهای "مملکت" را به گردن آنها انداخت و از سوی دیگر حزب جمهوری و دولت رجایی کماکان با در دست داشتن نهادهای تبلیغاتی شدیدترین تبلیغات را بر ضد لیبرالها و خط آمریکائی به پیش میبردند. در این میان همانگونه که در پیش آوردیم توده ها که از ستم سیاسی بیحد و حصر ارگانهای دولتی بجان آمده بودند عمدتاً بسوی لیبرالها سنگبری کردند. چیزی که تا گذشته جناح لیبرالها از آن همواره رنج میبردند ضعف پایگاه توده ای و تکیه گاهی که عمدتاً حزب بر آن تکیه میکرد توده های متوهم بودند اما در این مقطع و پس از طی پروسه ای جای این دعوی شد بود. اینک لیبرالها با تکیه بر توده های متوهم در سخنرانی ها و میتینگ های خویش به قدرت نمایی میپردازند و جناح حزب با تکیه بر ارگانهای تبلیغاتی کد در اختیار خویش داشت به حرکت درمیآید.

اما نکته ای را که باید به آن اشاره کنیم این است که توده هایی که امروز به دنبال لیبرالها روانند در اساس با رژیم به ضدیت برخاسته اند اما در حقیقت به دلیل ضعف آلترناتیو کمونیستی در جامعه بدام

جمع بندی این حرکت به نحو درخشانی صحت گفتار کمونیست های راستین را دایر بر اینکه رژیم نتنها ضدا مبریا لیست نیست بلکه در جهت تحکیم مبانی سرمایه در ایران حرکت میکند را به اثبات رساند مسئله سفا رت و پایان کار آن به روشنی خط سیاهی بر تمامی نثو ریهای رویزونیستی واپورتونیستی دایر بر دولت خلقی و ضدا مبریا لیست کشید و با ردیگر صحت تئوریهای انقلابی (م - ل) و مفتضح شدن تئوریهای تجدیدنظر طلبان را به نمایش گذارد .

اوضاع سیاسی و اجتماعی در آستانه دومین سالگرد قیام بهمن ۵۷

در آستانه قیام پرشکوه خلقهای قهرمان ایران در ۲۲ بهمن ۵۷ نظری به اوضاع سیاسی و اجتماعی می افکنیم .

پس از دو سال از گذشت قیام و استقرار حکومت جمهوری اسلامی مسئله انقلاب از نقطه نظر پرولتاریا و زحمتکشان همچنان در دستور کار قرار دارد . رژیم نتنها نتوانسته است کوچکترین قدمی در راه حل معضلات اجتماعی و اقتصادی جامعه بردارد بلکه بلحاظ ماهیت طبقاتی خویش به حفظ و بازسازی سیستم سرمایه داری و بسته و ترمیم ماشین دولتی پرداخته است . بحرآن اقتصادی سیستم سرمایه داری وابسته بلحاظ حاد بودن بحران سیاسی و بنا براین تعمیق بیش از پیش این بحران نتوانسته است علیرغم تمامی تشبثات رژیم در کشتار و سرکوب مبارزات زحمتکشان به شیوه بورژوازی حل گردد . امروز در شرایطی که جنگ ارتجاعی بین رژیمهای ایران و عراق کماکان ادامه دارد بحران ابعاد وسیعتری بخود گرفته است .

همانگونه که در سطور پیشین ذکر کردیم ، ویران شدن بسیاری از مراکز صنعتی کشور و نتیجتا بیکاری بخش وسیعی از کارگران ، خیل عظیم بیکاران را افزایش داده است . در کنار این مخارج سرسام آور نظامی که از طرف رژیم راین رابطه صرف میگردد بیش از پیش بر شدت بحران بر دوش کارگران و زحمتکشان افزوده است تیلورات این فقر و فلاکت بیسابقه امروز بطرز بارزی در جیره بندی اجناس مصرفی زحمتکشان ، چند برابر شدن قیمت ها ، تقلیل دستمزدها و بالاخره درصاف طولانی کارگران و زحمتکشان برای تامین مایحتاج خویش مشاهده میگردد . از بحران اقتصادی که بگذریم فشار سیاسی رژیم بر کارگران و زحمتکشان و سرکوب مبارزات آنان ، سرکوبی تمام نهادهای دموکراتیک و جنبش های انقلابی ، تفتیش عقاید به شیوه قرون وسطایی سانسور ، کشتار انقلابیون و کمونیستها و اخراج کلیه افراد انقلابی و کمونیست از مراکز دولتی و بازسازی تشکیلات سا واک و وجود آوردن انجمنهای اسلامی در تمامی عرصه ها از کارخانه ها و مدارس گرفته تا کلیه ادارات دولتی و بالاخره حیف و میل اموال دولتی در سطح وسیعی ویران با دادن پولهای کلان چند میلیون دلاری باعث رشد نا رضایتی بیسابقه و خیزش توده های زحمتکش بر علیه رژیم

لیبرالیسم بورژوازی بنی صدر در غلطیده اند . این خطری است که جنبش کمونیستی باید با چشمان باز به آن نگاه کند .

اما اشارات جنگ ارتجاعی ایران و عراق به زمینه های فوق محدود نماند . نیاز رژیم به تسلیحات نظامی و استفاده از امکانات امپریالیستها تعمیق یافته بود . رژیم که از ابتدای مسئله گروگان گیری در صدد بود که به نحوی مسئله را با سازی نوین با امپریالیست ها فیصله دهد به عمل واداشت .

بزم رژیم شرایط جنگی و وضعیت نابسا مان اقتضا دی پیش شرطهای ذهنی لازم را در توده ها برای پذیرش آزادی گروگانها فراهم آورده بود . تبلیغات رژیم نیز عمدتا پیرامون همین نکته بود یعنی رژیم با تکیه بر موارد مالی که از طرف مجلس به آمریکا

پیشنهاد کرده بود و با تبلیغ آن در میان توده ها و صحبت از رقمهای ۲۵ میلیارد دلار و ... در حقیقت بزم خویش میخواست که بنوعی افکار توده ها را منحرف ساخته و به آنان بقبولاند که آزادی گروگانها برابر است با گشایش اقتصادی و شرایط مطلوب معیشتی .

از سوی دیگر نکته ای که قابل تامل است و پیچ بودن مبارزه ضدا مبریا لیستی اینان را بوضوح هرچه بیشتری نمایان میسازد ، عملکردی است که رژیم و مشخصا جناح حزب جمهوری (که ضدا مبریا لیست قلمداد میشود) ایضا از جانب رویزونیستها (در رابطه با مسئله گروگان گیری در پیش گرفت . در های وهوی ضدا مبریا لیستی که اینان در بدو گروگان گیری همراه انداختند ، عنوان کردند که علاوه بر تمامی اموال شاه که باید به ایران بازگردد ، شاه باید تحویل ایران گشته و محاکمه شود . و اضافه بر این گروگانها به عنوان جاسوس باید مورد محاکمه قرار گیرند پس از بلوکه شدن دارائیهای ایران در آمریکا خواست استر داد دارا ثنها نیز بر شروط فوق افزوده گشت در این زمان حزب جمهوری برای عوامفریبی هرچه بیشتر عنوان مینمود که هرگونه مذاکره ای چه با آمریکا و چه از طریق سازمان ملل که آنهم تحت سیطره آمریکاست خیانت به خط امام است لیکن در این دوران که کذب آشکار اینان و مبارزه پوشالی این پاسداران سرمایه داری وابسته بر ملا گشت ، معلوم شد که چه خیانت بسیار عظیمی نسبت به خلقهای قهرمان ایران صورت گرفته است . امپریالیسم آمریکا تنها در صد بسیار ناچیزی از پولهای بلوکه شده ایران را پس داد و مسئله اموال شاه بکلی منتفی گشت و جاسوسان آمریکایی در پی سازش ننگین آزاد گشتند رژیم آنچنان در آزادی گروگانها و سازش با امپریالیسم آمریکا مصر بود که دو لایحه دوفوریتی را بفاصله چند روز از مجلس گذراند و گروگانها را در روز رسمیت یافتن ریاست جمهوری ریان به آمریکا روانه ساخت نکته دیگری نیز که ذکر آن ضروری است پرداخت کلیه دیون و بدهیها و وامهای اخذ شده از طرف ایران بسود که شما در این رابطه به امپریالیسم آمریکا پرداخت گردید و اقتصاد آشفته ایران را آشفته تر ساخت . ابعاد این سازش ننگین بعدی وسیع و همه جانبه است که شرح و تفصیل آن از عهده این مقاله خارج است .

بررسی دستاوردها و کمبودهای

جنبش کمونیستی ایران طی

دو ساله بعد از قیام

در آستانه دومین سالگرد قیام شکوهمند بهمن ماه قیامی که بیانگر عظمت و خروش انقلابی توده‌های تحت ستم مردم بود، بررسی و جمع‌بندی از تجارب دو ساله جنبش کمونیستی از جمله وظایف مهمی است که پیش پای جنبش کمونیستی ماست، جنبشی که اکنون در اثر تعمیق بحران اقتصادی - سیاسی سرمایه‌داری وابسته و اعتلای روزافزون جنبش انقلابی زحمتکشان رسالت رهبری این مبارزات و به ثمر رساندن آنرا بعهده دارد و در این راه باید هرچه بیشتر صفوف خود را از انحرافات و ضعف‌های غیرپرولتری رماندیده و صفوفش را فشرده تر سازد.

جنبش کمونیستی ایران که در قبل از قیام بهمن و بخصوص در طوفان مبارزات عظیم سال ۵۷، به علت انحرافات ریشه‌دار و جوانی نتوانسته بود نقشی در جنبش دمکراتیک و ضد امپریالیستی مردم ایفا کند، بعد از قیام بهمن بدون ارزیابی دقیقی از گذشته بیکباره دچار سردرگمی گردید. این سردرگمی بخصوص در عکس العمل بوقایع و اتفاقات روز و بویژه در برخورد به تغییرات اساسی که در اوضاع اجتماعی - سیاسی جامعه به وقوع پیوسته بود چنان ابعاد یافته که زمینه یک بحران واقعی را برایش فراهم نمود. بر مبنای چنین عینیتی رویزونیسم همچون اختاپوسی هزارپا چنگال‌ش را در پیکر آن فروبرد و آنرا در بحرانی عمیق غرقه ساخت. خصوصیات بحران مذکور در ارتداد بخش‌هایی از جنبش در غلتیدن به رویزونیسم، رشد پاشیسم و آغشتن بخش‌های دیگر آن به اکونومیسم و اغتشاش بود در دو سال گذشته این جنبش با حضور موثر در عرصه مبارزات اجتماعی و بادیست و پنجه نرم کردن با این انحرافات تکامل یافته و سناوردهای درختانی نصیبش شده که برای بررسی دقیق آنها نیازمند آنیم تا زمینه‌های عینی و ذهنی بحران مذکور، چگونگی بازتاب آنرا بر مئی و مواضع جنبش و گروه‌های مختلف و پروسه

گردیده است. در این رابطه ما مواجه‌ایم با گرایش ضد جنگ طلبی در توده‌ها که بکلی با جواکم بر توده‌ها در ابتدای جنگ متفاوت است. امروز دیگر تباحثات ناسیونالیستی القا شده از طرف حکومت به توده‌ها بطور چشمگیری فروکش کرده است. زحمتکشان با اعتراض به ستم اقتصادی و سیاسی که به آنها روا می‌شود در عرصه‌های گوناگون دست به مبارزه زده‌اند البته در تحلیل این حرکات این نکته را باید اشاره کنیم که این جنبش عمدتاً خود بخودی بوده و فاقد مضمون صریح و مستگیری دقیق طبقاتی است. اما امری که مسلم است و بوضوح بر آن تاکید داریم شروع و رشد این جنبشها بوده است.

علاوه بر مسئله فوق، مسئله‌ای که بر آتش مبارزات توده‌ها بیشتر دمید مسئله گروگانها بود. رژیم که بزعیم خویش میپنداشت شرایط سخت اقتصادی توده‌ها را در وضعیتی قرار داده است که سازش با امپریالیسم و حل مسئله گروگانها جایگاه مهمی را در ذهن توده‌های مردم احراز نخواهد کرد با جواب دندان شکن زحمتکشان روبرو شد. در گفتگوی رودررویی که تلویزیون جمهوری اسلامی با توده‌های مردم انجام داد اکثریت شکننده‌ای خواستار ادامه مبارزه با امپریالیسم بودند و قرارداد منعقد بین رژیم ایران و امپریالیسم آمریکا را به مسخره گرفتند. مسئله گروگانها و سازش با امپریالیسم آمریکا ضربه سخت دیگری بود که بر پیکر رژیم وارد آمد بیش از پیش در نزد توده‌ها به زیر سؤال کشیده شد.

نکته‌ای که در شرایط اعتلا مبارزات توده‌ها باید بدان توجه لازم را داشت گرایشی است که در بخشی از توده‌های ناراضی از رژیم بسمت لیبرال‌ها دیده می‌شود. باید به این نکته اذعان داشت که لیبرالیسم بنی صوری توانست است بخش‌هایی از توده‌های ناراضی را بسمت خویش کانالیزه کند. اما این نیز حقیقتی مسلم است که توده‌ها از فقدان یک آلترناتیو پرولتری مستحکم بدامن جریانات لیبرالیستی همچون بنی صدر می‌افتند. خطر این مسئله با توجه به تشدید گرایشات لیبرالی در سازمان مجاهدین خلق که از پایه توده‌ای وسیعی برخوردار است دو چندان گردد.

ما امروز در شرایطی در آستانه سالگرد قیام قرار داریم که بطور مشخص مسئله کسب قدرت سیاسی در دستور روز جنبش کمونیستی قرار گرفته است. برای انجام این مهم جنبش کمونیستی باید صفوف خود را هرچه بیشتر متشکل کند، وحدت خود را تحقق بخشد و پیوند خود را با توده‌های کارگر و زحمتکش مستحکم‌تر گرداند. برای اینکار باید بطور فعالانه در تمامی حیات اجتماعی - سیاسی جامعه حضور موثر و فعال خود را نشان دهد، نقاب از چهره ارتجاعی و خیانت‌پیشه لیبرال‌ها و بخصوص جناح بنی صدر ببرد. و پرچم‌دار خواستهای حق طلبانه و آرمانهای توده‌های ستمدیده‌بده و مسئله تامین هژمونی پرولتاریا را بر جنبش توده‌ها تحقق بخشد.

تکاملی آنرا مورد بررسی قرار دهیم . برای اینکار ماسمی خواهیم کرد تا بر خورد نیروهای عمده تشکیل دهنده جنبش را در مورد مسئله قدرت سیاسی حاکم بعد از قیام ، به رویزیونسم و مبارزه ایدئولوژیک درونی و مسئله وحدت م - ل ها مورد بررسی قرار دهیم .

در حول و حوش قیام بهمن ماه ۵۷ و سرنگون شدن رژیم سلطنتی شاه مهمترین مسئله در پیش پای جنبش کمونیستی ، تحلیل دقیق از گذشته و علل ناتوانی خود از یکطرف و بررسی دقیق از تغییرات اجتماعی - سیاسی آن دوران از طرف دیگر بود . اما این جنبش نه این یکی را بطور همه جانبه مورد بررسی قرار داد و نه آن دیگری را !

مبارزات عظیم سال ۵۷ و قیام بهمن به مثابه نقطه عطف آن ، جامعه را دچار تغییرات اساسی ساخت . اما این تغییرات زیربنای اقتصادی جامعه را در اساس دگرگون نکرد و نتیجتاً مناسبات اساسی بین طبقات نیز نتوانست دگرگون شود ، بلکه تغییرات اساسی در ارتباط با اوضاع اجتماعی - سیاسی مطرح بود . میلیونها توده که سال ها در زیر ستم سلطنت وابسته به امپریالیسم پشت خم کرده بودند ، یکباره از خواب دهها ساله سر برآوردند ، دست به مبارزه ای عظیم در اشکال مختلف زدند و این سلطنت منحوس را سرنگون ساختند . چنین رخدادی مسلماً وضعیت اجتماعی جامعه را دگرگون کرد و روبنای سیاسی آنرا نیز تغییر داد ، بجای سلطنت گذشته که برای همگان شناخته شده و وابستگی اش به امپریالیسم چون روز روشن بود ، رژیمی روی کار آمد که گرچه دست نشانده امپریالیسم نبود ، اما از نظر طبقاتی راهی جز ادامه گذشته و رسالتی جز حفظ مناسبات سرمایه داری وابسته نداشت مضافاً اینکه در سازش و همسویی با بخشهایی از سرمایه داری جهانی نیز بر سر قدرت آمده بود . این حکومت که رسالت اصلی اش سد کردن مبارزه طبقاتی و برپا دادن حاصل مبارزات خلق بود ، رژیم سیاسی ارتجاعی بود و این مهمترین مسئله ای بود که جنبش باید به آن پاسخ میگفت . اما کمونیستهای ایران که بر اساس محکمی استوار نبودند از پاسخگویی قاطع به این سؤال عاجز ماندند و در نتیجه از اتخاذ تاکتیک در مقابل رژیم و مسائل مشخص و دائمی در حال تغییر جامعه ناتوان گشتند .

دولت دوگانه ! دولت خرده بورژوازی - بورژوازی ! دولت نیمه خلقی ! دولت تغییر انقلابی ! و ... تمیزات و تلقیاتی بود که حکم ترجیع بندی را در تحلیل های گروههای مختلف م - ل از این دولت بخشود گرفته بود . تاکید بر برخورد دوگانه و حمایت مشروط ! حمایت توأم با مبارزه ! و ... روح و مضمون تاکتیک این نیروها شده بود . رویزیونسم و مارکسیسم در تحلیل و در تاکتیک به همجواری و همسایگی رسیده بودند . التقاطات و شاخه های فراوان رویزیونیستی در درون جنبش کمونیستی ، عقب ماندگی و اکونومیسیم ریشه دارایی - جنبش ، بقایای آوانتوریزم چریکی و ... آنچنان کمبود نیست که رادر تاروپود خود محصور کرده بود که از توان مرزبندی قاطع با رویزیونسم و اعمال این مرزبندی در مبانی تئوریک و تاکتیکها و سیاستهای خود بی بهره

ماندند . جنبش از لحاظ تئوریک سخت ضعیف بود و از لحاظ انجام و تکامل ایدئولوژیک نیز عناصر و آمیزه های فراوان رویزیونیستی با خود حمل مینمود . فروماندن از تحلیل مارکسیستی دولت و ماهیت طبقاتی آن و بالمال فروماندن از اتخاذ تاکتیک و سیاستهای رادیکال و مبتنی بر مارکسیسم در مقابل آن از درون همین عقب ماندگیهای تئوریک و آمیزه های رویزیونیستی ریشه میگرفت . شاید بتوان گفت که پیرویه تصحیح و تکامل نظرات م - ل ها در این باره نیز - حداقل در اوائل - بیش از آنکه تابع روند تکامل تئوری مارکسیستی در هویت و موجودیت ایدئولوژیک - سیاسی آنان باشد از یک روند خودبخودی و عکس العملی تبعیت میکرد . بجای تحلیل دقیق مارکسیستی از دولت و جناحهای آن ، بجای کوشش برای نفی دیالکتیک التقاطات رویزیونیستی - اکلکتیکسم و اکونومیسیتی از ماهیت و اساس تحلیلهای گذشته و از این طریق دستیابی به جوهر و روح مارکسیسم در چگونگی ارزیابی و شناخت قدرت سیاسی حاکم و ... عمدتاً تا اعمال و سیاستهای ضد خلقی و جناحیتکارانه رژیم بود که نیروها را به تجدید نظر در تحلیلهای خود رهنمون میگشت . درست بهمین خاطر بود که باز هم مرز رویزیونسم از مارکسیسم مشخص نمیشد . ضد خلق ، ضد خلقی یا ضد انقلاب - ضد انقلاب ، ترجیع بند و شاه بیت تحلیلهای قرار میگرفت در حالیکه باز هم امکان همجواری و همسویی اپورتونیستها و مارکسیستها را در پشت همین تحلیل های ظاهراً واحد باز می گذاشت اما کاستی ها و نقصانهای ایدئولوژیک - سیاسی به همین اندازه محدود نمیشد و بسیاری از نیروها همچنان گرایشات چشمگیر و عناصر فراوان رویزیونسم را در تحلیلهای خود از قدرت سیاسی حمل مینمودند ، علاوه بر این نیروهای بی سرعست در جهت نفی مارکسیسم و الحاق به اردوگاه رویزیونیسم پیش می تاختند . با این وجود بعطت نازل بودن و دربارهای موارد نفی مبارزه ایدئولوژیک مرز بین نیروهای مختلف مشخص نگشت . جنبش کمونیستی فراموش کرد که " مسئله اساسی هر انقلاب موضوع قدرت حاکمه در کشور است . بدون توضیح این مسئله نمیتوان از هیچگونه شرکت آگاهانه در انقلاب و بطریق اولی از رهبری بر آن صحبت کرد "

(لنین - درباره قدرت دوگانه)

و همین ناتوانی از روشن کردن این مسئله اساسی باعث همزیستی دو تمایل انقلابی و رویزیونیستی در جنبش گردید . حمله ضد انقلابی حکومت به دستاوردهای قیام توده و یورش جناحیتکارانه آن به کردستان در تابستان ۵۸ نیز وها را بطور خودبخودی مجبور به پاسخگویی مشخص در رابطه با قدرت سیاسی حاکم نمود . کم کم سایه روشنهای جهتگیری دو تمایل مذکور در سطح جنبش شروع به مشخص شدن نمود . نباید فراموش کرد که این دو تمایل و این سمبکیری متفاوت در فاصله یاد شده نیز کم و بیش تجلیات خود را بروز داده بود ، گروههایی بودند که از همان بهار ۵۸ ماهیت ضد انقلابی قدرت سیاسی حاکم را در اعلامیه ها و نوشته های خود تصریح میکردند و بالعکس گروهها و تشکلهایی یافت میشدند که برای دولت ، رسالت قائل بوده و بار انکشاف اقتصادی - سیا.

سی جامعه را در توان تاریخی آن مقرر میدیدند . مع- الوصف بهما نگونه که یاد شد مرزها شدیداً مخدوش بود و مبارزه ایدئولوژیک در حالت افت بود . " کنفرانس وحدت " که از همان روزهای بعد از قیام و برداشته همان التقاطات فراوان رویزیونیستی - اکونومیستی پای گرفته بود به حیات خود ادامه میداد و در واقع تجلیگاه ضعف و فروماندگی کمونیستهای راستین از پاکسا زی ایدئولوژیک - تشکیلاتی خودشان بود . ۲۸ مرداد ۵۸ و حمله و حثیانه ارتجاع به کردستان و به همه باز - مانده های ضعیف دیکراسی در جامعه نیز نتوانست پایان بخش سازشها و اختلافهای مزبور واقع گردد . باز هم کماکان طیف نیروهای معتقد و مدعی مارکسیسم از " اتحادیه کمونیستهای ایران " گرفته تا انقلابیون راستین و طبعا بسیاری گروههای لیبرال - پاسیفیست در کنفرانس وحدت گردهم می آمدند و از لزوم " وحدت با همدیگر " سخن میرا نداشتند . جنبش کمونیستی با حرکتی لاک پشتی و غزش وار به دنبال حوادث و رخداد های روزمره و در جزر و مد رویدادهای گوناگون و نیز بر پایه پتانسیل درونی جناحهایش بتدریج وارد مراحل نوین حیات خویش میگشت .

مسئله اشغال سفارت به وسیله جناحی از حاکمیت که عمدتاً برای منحرف کردن مبارزات ضد امپریالیستی ضد ارتجاعی توده ها انجام گرفت ، رخدادی بود که به طور خود بخودی مرز بین دو تمایل را آشکار گردانید . جریاناتی که بشدت آغشته به رویزیونیسم بودند این مسئله را دستاویزی قرار میدادند تا عمق تمایلات طبقاتی خود را بمعرض نمایش گذارند . آنان با دفاع آشکار از هیئت حاکمه تحت عنوان " ضد امپریالیست " خواندن آن و یا جناحی از آن شروع به مناظره گری چهره حکومت کردند . در مقابل نیروهایی که بر یک دینامیسم بالنده و رادیکال ره میپیمودند توانستند تا حدودی از دسته اول صف خود را جدا کرده و توطئه - گریها و عوامفریبیهای جناح حکومتی مزبور را افشا نمایند . سازمان پیکار و ما (گروه کمونیستی - نبرد ، هر دو جریان تشکیل دهنده) تقریباً تنها جریاناتی بودیم که در عین حفظ التقاطات راست - روانه به افشا ماهیت عوامفریبانه آن بخش از هیئت حاکمه پرداختیم . درست در همین زمان بود که تیز اپورتونیستی " فذخلق - ضد امپریالیست " آغاز به نشو و نما کرد (مقاله هیئت حاکمه و اشغال سفارت ، کمیته م - ل) .

جناح رادیکال تعرضاتی را نیز در زمینه ایدئولوژیک و ستیز با جریانهای رویزیونیستی - اپورتونیستی آغاز کرد . مواضع بغایت رویزیونیستی اتحادیه کمونیستها و بلافاصله اپورتونیسم و رویزیونیسم سازمان چریکیا مورد حمله بخش رادیکال جنبش قرار گرفت .

باز هم کمونیستهایی که تمایلات انقلابی را نماندگی میکردند ناتوان از مبارزه ایدئولوژیک با رویزیونیسم خود هر چند تا حدودی موضعگیری شان نسبت به هیئت حاکمه را ارتقا دادند اما کماکان قادر نباشند بطور کامل با انحرافات در این زمینه مرز بندی کنند .

رویزیونیسم هر چه بیشتر جنبش را از درون میخورد ، اکونومیسم نیز در اینراه یار دیگر مدیق و جاکش رویزیونیسم شد و پایه های جنبش را بسمت رویزیونیستهای فرستاد سیل کشتارها ، جنایتها ، اعدامهای انقلابیون ، قتل عام خلقتها و دیگر اعمال ارتجاعی حکومت ، آنچنان بالا گرفت و ماهیت ارتجاعی آن بطوری روشن شد که دیگر این تنها رویزیونیستها بودند که بخاطر ماهیت ارتجاعی عیشان حاضر به پرده پوشی ماهیت هیئت حاکمه بودند و تازه در این هنگام بود که بخشهایی از جنبش کمونیستی آرام آرام شروع به موضعگیری دقیقتری در مورد حاکمیت کردند - موضعگیری ای که همچنان از التقاط و انحراف خالی نبود . ال گذشته در آستانه اولین سالگرد قیام بهمن همچنان ما شاهد باقی ماندن این انحرافات در سطح جنبش بودیم . در آن موقع تزانحرافی دولت بورژوازی - خرده بورژوازی که دولت را متشکل از دو جناح مجزا و مستقل - یکی خرده بورژوازی که به اصطلاح با " امپریالیست و سرمایه داری وابسته در تضاد است " و از طرف دیگر با طبقه کارگر و کمونیستها نیز تضاد دارد و دیگری جناح بورژوازی - نظرگاهی بود که بهیچوجه با رویزیونیستهایی نظیر " اکثریت " چریک - های فداائی و اتحادیه کمونیستها و ... مرزی نمیکشید زیرا آنها نیز دولت را متشکل از خرده بورژوازی و بورژوازی میدانستند که دارای جنبه " دوگانه " و عملکردهای " دوگانه " است . رویزیونیستهای جدید (یعنی اکثریتی ها و اتحادیه چی ها و ...) با مستمک قرار دادن مسئله سفارت همه جانبه دست به نقاشی چهره رژیم و توجیه جنایات و خیانتاتش زدند . کار ۵۹ که در بهار سال ۵۹ نیروی آمد مانیفست رویزیونیستهای اکثریت و بیانییه اعلام بیست قطعی آنان به اردوگاه رویزیونیسم ، سیلی محکمی بود برگزیده جنبش کمونیستی تا بلکه بخود آید تا مرز خود را روشن کند و از خواب خرگوشی بیدار گردد . کم کم مسئله حاکمیت بطور جدی در سطح جنبش طرح گشت و نیروهای واقعی کمونیست موضع خود را روشن کردند و مبارزه ایدئولوژیک در این مورد شروع به رشد و شکوفایی کرد . آنچه که در دو سال گذشته بعلمت غلبه انحرافات از تبلیغ آن ابا گردیده بود یعنی مسئله سرنوشت رژیم حاکم اکنون و بر زمینه کل این تغییرات عینی و تکامل مبارزه ایدئولوژیک دستاوردهایی بوده است که باید در مرز بندی با اپورتونیسم آنرا بمشابه زینت بخش دستاورد های جنبش کمونیستی بحساب آورد . این مسئله یعنی سرنوشت رژیم حاکم دستاوردی است که امروزه مرز بین مارکسیسم واقعی و اپورتونیسم و انحرافات اکونومیستی گذشته را تا حد بسیار زیادی روشن میکند . جنبش کمونیستی ما امروزه باید بر مبنای جمع بندی از عملکردهای دو سال گذشته اش و بخصوص بریدن از آغستگی های اکونومیستی بر این دستاورد استوار باشد و منتظر نشود تا سر خود بخودی جنبش را به یار و هم چون گذشته آنرا بر او تحمیل کند . بلکه باید به مثابه پیمانه انقلاب و جلوتر از توده ها (با وجودیکه اکنون مدتهاست توده از نظر عینی لزوم چنین دگرگونی را حس کرده است) آنرا مطرح کرده و بمیان توده ها ببرد .

خطوط کلی برنامه آن مشخص است برای روشن کردن اجزاء و تاکتیک های این برنامه مبارزه ای جدی را سازمان دهد و حول می و برنامه با استواری و پافشاری روی مباحثی ایدئولوژیک وحدت خود را تحقق بخشد .

مروری بر مبارزات دوساله پس از قیام ۵۷

- مختصری پیرامون قیام بهمن ماه
- بررسی اجمالی حرکت طبقات و اقشار گوناگون پس از قیام . خواسته ها . سیر
- غالب بران و ارتباط بخشهای مختلف
- تاثیر عوامل گوناگون و تاکتیکهای رژیم
- برونشد توده ها
- حرکت و وضعیت جنبش کمونیستی در ارتباط با جنبش توده ها

انقلاب دمکراتیک ضد امپریالیستی توده های مردم ایران که با خواسته های اقتصادی - سیاسی و تجلی این خواستها بشکل قیام ۵۷ به سلطنت رژیم پهلوی پایان بخشید ، بر بستر تعمیق یافتن بحران اقتصادی اجتماعی سیستم سرمایه داری وابسته به امپریالیسم و بعثت ضرباتی انقلابی که بازتاب حرکات توده ها بر ماشین دولتی پوسیده شاهنشاهی بود و نیز عدم دست یابی توده های محروم و ستمدیده به خواسته های حقه خویش میباشد که در تداوم و تکامل خود و بر راستای مذکور به گره گاه های حاد و تعیین کننده دیگری راه یابد .

اگر در قبل از قیام ۵۷ مبارزه طبقاتی توده ها با رژیم از کانال طرح خواسته های خویش بشکل مبارزاتی پراکنده و در نهایت قیام مسلحانه گذشت ، امروزه نیز ما شاهد مبارزات توده ها در عرصه های نسبتاً وسیعتری حتی نسبت به سالهای قبل از قیام در اشکال متنوعتر و رشد یافته تری میباشد . فاکتور آگاهیه نسبی که توده ها نسبت به حقوق خویش در دوران قیام پس از آن موفق به کسب آن گردیده اند امروزه حرکات آنان را از بار غنیمتی برخوردار مینماید . اگر تگاهی به مبارزات توده ها در سالهای قبل از قیام بیندازیم در می یابیم که حرکات اقشار و طبقات گوناگون نه با وقوف به حقوق خویش که بیشتر بازتاب عینیت جامعه و مشکلات و نابسا مانیهای آن بود که بیشتر موجب حرکات عکس العملی و در نهایت تا شیر پذیری از مبارزات یک طبقه و یا اقشار دیگر جامعه صورت می گرفت . برای نمونه حرکت طبقه کارگر در انقلاب قابل ذکر است که حدوداً در اواسط آن بشکل حرکت سرتاسری یک طبقه ظاهر میگردد . در فاصله بهمن ۵۸ - ۵۷ شاهدیم که توده های مردم بیشتر با تکیه بر خواسته های دمکراتیک و اعتراض به وجود محدودیتهای پیشمار در این

با وجود همه اینها نباید تردید کرد که مرزها همچنان بطور کامل روشن نشده و مخدوش میباشد . و کمونستهای واقعی و رادیکال از زدن ضربه قطعی و آگاهانه به رهبران رویزیونیسم و خدمتگزاران بورژوازی عاجز و فرومانده بودند . این فروماندگی در همه جا خود را آشکار میساخت . بحث وحدت و چگونگی تحقق بخشیدن به وحدت کمونیستها زمینه مشخصی بود که این عقب ماندگی شدید را بنمایش میگذارد و در عین حال باز هم زمینه کاملاً روشن و تعیین کننده ای بود که مرز بین نیروهای رادیکال و پاسیو را از هم متمایز کرد . بخش غالب جنبش کمونیستی وحدت را در ایجاد سازمانهای بزرگتر و یا در پیوستن به این سازمانها میدید و بدینسان بیش از پیش بر نقش ایدئولوژی و بر مشی پرولتاریا سایه می انداخت و در واقع سنگرهای اپورتونیسم و رویزیونیسم را در جنبش کمونیستی تحکیم میکرد . اپورتونیستها ، لیبرال - پاسیفیستها ، و ... بر آن میشدند تا با استفاده از این نظرگاه انحرافی از مجموعه گروههای پراکنده خود یک سازمان بزرگتر به وجود آورند و بدینسان از پراکندگی خود جلوگیری کنند هر چند که در کنار آنان بخشی از کمونیستهای راستین با صحنه گذاشتن بر این دیدگاه بدنبالشان روان بودند . و بالعکس اقلیتی از جنبش کمونیستی در مقابل این تزلزل سخت مقاومت میکرد و ایجاد این سازمانها را نه وحدت کمونیستها ، که زیر پانهادن مشی و ایدئولوژی پروولتاریا میدانست . گروه ما (گروه کمونیستی نبرد) تقریباً تنها نیروی استوار بر این بینش بود . جنبش انقلابی روز بروز از وسعت و غنای طبقاتی بیشتری برخوردار میگردد ، مبارزه ایدئولوژیک نیز حدت و عمق بیشتری می یافت ، جنگ ارتجاعی جاری زمینه ساز حدت و زورفش هر چه بیشتر این مبارزه شده ، جنگ فساد و گندزدگی اپورتونیستی درون جنبش را بیش از گذشته افشا کرد و بدینسان راه را برای پاکسازی و تنقیح ایدئولوژیک جنبش باز هم بیشتر هموار ساخت . آنچه که بشدت اذهان را بخود جلب میکند آنچه که تردید ناپذیر است همان تعمیق شکافها و رشد مرز بندیهای درون جنبش در این گذار دوساله بوده است . مبارزه طبقاتی در سطح جامعه و ستیز ایدئولوژیک در داخل جنبش کمونیستی یک واقعیت را هر چه افزونتر آشکار ساخته و هر روز آنرا آشکارتر نموده است . در این گذار دوساله نیروهای بالنده و رادیکال قدم به قدم هر چند کند و لاک پستی به تمحیص مواضع و نفی دیالکتیکی انحرافات خود پرداخته اند . روند تکامل دیالکتیکی این جریان امروزه به تثبیت و تحکیم مواضع و مشی مشخص در جنبش منتهی شده است . این مشی و مواضع همان است که مانع خود را بر آن استوار مینیم . این مشی و مواضع همان است که در برخورد به حاکمیت کنونی و در برخورد با مسائل بین المللی و مرز بندی با رویزیونیسم و سوسیال امپریالیسم ما نیز خود را بر آن استوار مینیم . امروزه بر راستای تحکیم این مواضع و بر بنیان اتکا به مبانی اساسی مارکسیسم باید دستاوردهای مثبت و تقویت کرده مبارزه ایدئولوژیک را در بعد بالادستی ادامه داد . باید جنبش کمونیستی ما که اکنون

زمینه حرکات خود را با برگزاری تحصن و راهپیمایی نشان می‌دهند ، که در این میان دانش آموزان نیز با تاثیر پذیری از جو غالب پس از قیام ، علیرغم خود بخودی حرکتان ، با اشکال گوناگون (تحصن و اعتصاب تحریم کلاسهای درس ، راهپیمایی ، تظاهرات) خواسته های شان را در جهت کسب آزادی های دموکراتیک و بخشا خواسته های صنفی بنمایش میگذارند . نکته قابل توجه در اینست که سیستم پوسیده و بحران زده سرمایه داری وابسته و هیئت حاکمه آن که قادر به جوابگویی به اولیه ترین خواسته های انقلابی توده ها نیستند از همان ابتدا بهر گونه اعتراضی حتی خواسته های ابتدایی اقتصادی توده ها جنبه سیاسی میدهند . البته فاکتور روحیه ضد امپریالیستی و دموکراتیک توده ها نیز عموما این خواسته ها را بهمان کانال میکشاند . طبقه کارگر در اوایل فاصله بین ۵۸ - ۵۷ با اعتصابات و تحصن و گروگان گیری مبارزات وسیعی را که بیشتر خود بخودی و حتی در چهارچوب مبارزه طبقه خویش دارای ارتباط ضعیفی بوده را در جهت بدست آوردن خواسته های اقتصادی و نیز ضد امپریالیستی به پیش میبرد . در اواسط این دوره با توجه به همان فاکتورهای فوق و شورو تحرک مبارزاتی موجود در جامعه رژیم تاکتیک گروگان گیری و اشغال سفارت را در جهت مهار زدن به این مبارزات و سرکوب مخالفین خویش (جنبش کمونیستی و انقلابی) و کسب امتیاز نسبت به رقیب موجود در قدرت به پیش میگذارد . خود همین مسئله با توجه به آلترناتیو ضعیف جنبش کمونیستی برای دوره ای باعث فزونی توهامات در ذهن توده ها و افست مبارزات آنان میگردد . نگاهی به مبارزات توده ها و طبقه کارگر در قبل و بعد از جریان سفارت نشان دهنده این موضوع است . و این دورانی است که رژیم (مشخما خمینی و حزب جمهوری) توانستند با بسیج توده های نا آگاه و متوهم ، در رشد یابی این مبارزات از نظر ذهنی بطور مقطعی خلل وارد آورند . البته همین حرکات با تاکتیک سرکوب همان مبارزات ضد امپریالیستی و جنبش آگاه ، در جهت تثبیت خود رژیم همراه بود و بطوریکه دیدیم دستاویز یکسال و نیمه وی در اعمال تاکتیک های فوق بود ، پراکندگی و نفوذ پا بین جنبش چپ و عدم دارا بودن تاکتیک ، هلاک و بر خورداری از برنامه ای روشن در این رابطه ، عامل دیگری بود که زمینه دیگری را برای سوار شدن رژیم بر مبارزات توده ها فراهم میکرد . در پرتو همین تحمیق و سرکوب رژیم بود که وی قدمهای بعدی را در تعرض هرچه وسیعتر به حقوق توده ها برداشته ، یعنی از یک طرف حمله مجدد به کردستان و سرکوب دانشگاه ها و از طرف دیگر انداختن توده ها به دام مبارزه پارلمانی یعنی انتخابات پیاپی بود . و در مجموع در این دوران جنبش کمونیستی و نیروهای اصیل آن قادر به ارائه برنامه ای در جهت تشکل آنان و منحرف کردن آنها از دنباله روی سیاستهای هیئت حاکمه نبودند .

در فاصله بهمن ۵۹ - ۵۸ مبارزات توده ها بیشتر حول کسب خواسته های اقتصادی صورت میگرفت که خیلی سریع به شکل سیاسی در میآمد . در این دوره اعتراضات بسیاری نسبت به خلفان سیاسی و سرکوب نیروها توسط

رژیم صورت گرفته و دامنه آن وسیعتر میگردد . توده ها بیشتر خواسته های شان را در این دوره با تحصن ، راهپیمایی و اعتصاب غذا نشان میدهند . برای مثال مبارزات دکهداران که برای دوره ای بیک مبارزه عمومی تبدیل گردیده بود که توام با اعتراضات سیاسی برای گرفتن خواسته های اقتصادی بود و پس از چندی و بطور خود بخودی بدرگیری با نیروهای سرکوبگر رژیم منجر شد . در این دوره از مبارزات ارتباطات آگاهانه بیشتر با دخالت نیروهای آگاه بین بخشهای مختلف جنبش توده ها صورت میگرفت . برای مثال مبارزات دانش جوان انقلابی در واقعه دانشگاهها و نیز در مبارزات دانش آموزان انقلابی مدارس ما شاهد این ارتباطات هستیم . در همین دوره و بر متن سرکوب و خفقان موجود که دانشگاه نیز از آن بی بهره نماند . جنبش دانش آموزی اعتلای نوینی را در شکل گیری مبارزات سیاسی بنمایش میگذارد . این مبارزات بیشتر بخاطر کسب آزادیهای سیاسی و دموکراتیک بوده و دامنه و وسعت آن نشان دهنده نفوذ نسبتا بالای نیروهای سیاسی موجود در جامعه در مقایسه با دیگر بخشها است .

مبارزات دانش آموزان با اشکال گوناگونی چون راهپیمایی ، تحصن ، و تظاهراتهای سیاسی که در بیشتر موارد با درگیری شدیدی توام بوده به پیش میرفته است . مبارزات کارگران نیز در این فاصله اگرچه بیشتر حول خواسته های اقتصادی بوده ولیکن در مواردی نیز دارای برجستگیهای سیاسی هم میباشد در این دوره از مبارزات جنبش کارگری ارتباطات نسبتا بهتر در همین چهارچوب با مقایسه با مبارزه سایر اقشار و طبقات وجود داشته است . کارگران عمدتاً خواسته های شان را از طریق تحصن ، راهپیمایی ، اعتصاب و کم کاری ، برپایی تظاهرات و نکته قابل توجه گروگان گرفتن عوامل و عناصر سرمایه داری مطرح میکنند .

پیش آمدن موضوع جنگ ایران و عراق بعنوان یکی دیگر از آن نقاط گرهی بود که در پرتو آن میبایستی خواسته ها و مبارزه کلیه اقشار و طبقات سرکوب میگردد و رژیم گامی در جهت تثبیت هرچه بیشتر خویش در کوتاه مدت برمیداشت . بحرانی که در طی این جنگ بوجود آمده است و بالا رفتن میزان ناراضی توده های مردم و بخصوص کارگران و زحمتکشان مناطق جنگ زده که بازتابش بصورت برپایی تظاهرات و راهپیمایی از سوی آنان ظاهر میگردد و خفقان ساسی که برخشم توده ها میافزاید زمینه ای را فراهم کرده که امروزه بورژوازی لیبرال براحتی (با توجه به ضعفهای جنبش کمونیستی و نبودن قطب انقلابی در مقابل کل ارتجاع حاکم) و با تکیه بر یکسری مسائل روبنایی چون " آزادی عقاید " و " اعتراض به شکنجه " و امثالهم که با محتوای بورژوایی خود مد نظر دارد . توده های محروم را از کانال اصلی مبارزه منحرف کرده و خود بر آن سوار گردد و این امر در بسیج توده های وسیعی از مردم در میتینگ ها و نیز سخنان بنی صدر کاملاً عیان است و این خطر احساس میگردد که مجدداً جنبش کمونیستی نتواند با استفاده از عوامل موجود توده ها را در جهت مبارزه واقعی خود متشکل و رهنمون گردد .

مباحث

دلائل و خواسته های مبارزاتی کارگران	اشکال مبارزاتی	اسامی کارخانجات و مکانهای کارگری	دلائل و خواسته های مبارزاتی کارگران (۵۷-۵۸)	اشکال مبارزاتی	اسامی کارخانجات و مکانهای کارگری
رسیدگی به وضع کارگران	تجمع دراستانداری	کارگران اخراجی و بیکار فالیباف تبریز	۱۲ هزار کارگر بیکار در شیراز و استان فارس	تحصن در محل را دیوتلو- پزیون	کارگران سرجنگل-داری سیستان و بلوچستان
شروع مجدد کار شرکت - پرداخت حقوق عقب افتاده کلیه حقوق اقتصادی پرداخت حقوق ۹ ماهه گذشته	تشکیل اجتماع کارگران انضال سازمان برنام پرداخت حقوق ۹ ماهه گذشته	کارخانجات اخراجی و بیکار لوزان	شرکت ساختمانی و تاسیسات لوزان	تحصن در محل شرکت	کارخانجات بیکار و فملسی کارخانجات های امفهان
خواسته های اقتصادی	کمکاری و پائین آوردن تولید	کارخانجات تراکتور سازی تبریز	کارخانجات تراکتور سازی تبریز	تحصن در اداره کار و امور احتمایی	شرکت پرسوزن مسجد سلیمان
برگشت کلیه کارگران اخراجی - پرداخت حقوق عقب افتاده تعطیلی پنجشنبه ها	تحصن با تفاق خانواده- های کارگران تحصن و صدور قضا منته اعتراض	کارگران مارون ۲ و گساز ماهی ۵۰۰	کارگران مارون ۲ و گساز ماهی ۵۰۰	تحصن در اداره کار تهدید به اعتصاب غذا راهپیمایی	کارخانجات بیکار و فملسی کارخانجات های امفهان
حقوق اقتصادی - رفاهایی	اعتراض	کارگران بیت بولینسن - بیمانکاری پارسونز	کارگران بیت بولینسن - بیمانکاری پارسونز	تحصن موضوعی	شرکت کامبب خوزستان
حقوق اقتصادی رسمی شدن و تشکیل شرکت ملی حفاری	اعتصاب و تظاهرات	کارگران بیمانکاری عا مری کارگران حفاری سائنایی	کارگران بیمانکاری عا مری کارگران حفاری سائنایی	تحصن و اعتراض	کارخانجات بیکار و فملسی کارخانجات های امفهان
تشکیل شورای کارگری	اجتماع در محل پهل سیستان تحصن و اعتصاب غذا در وزارت کشاور	کارگران سنگبری سه راه کارگران سیمان کارگران بیکار تهران	کارگران سنگبری سه راه کارگران سیمان کارگران بیکار تهران	اعتراض و تحصن اعتراض و تحصن و صدور قضا منته	کارخانجات بیکار و فملسی کارخانجات های امفهان
خواسته های اقتصادی و تامین کار	تحصن در بهنگاه کارگران	کارگران بیکار شده کار- کارهای فالیبافی تبریز	کارگران بیکار شده کار- کارهای فالیبافی تبریز	اعتراض و تحصن اعتراض و تحصن و صدور قضا منته	کارخانجات بیکار و فملسی کارخانجات های امفهان
سود ویژه		کارخانجات آجری شبات	کارخانجات آجری شبات	تحصن در دفتر نمازخانه در امور کارگران	کارخانجات بیکار و فملسی کارخانجات های امفهان

[illegible]

[illegible]

دلائل و خواسته های مبارزاتی کارگران	اشکال مبارزاتی	اسامی کارخانجات و مکانهای کارگری	دلائل و خواسته های مبارزاتی کارگران	اشکال مبارزاتی	اسامی کارخانجات و مکانهای کارگری
اتحاد شورای کارگران از سوی کارفرما و عوامل وی	رفتن نمایندگان به خانه آیت الله طالقانی و تهدید به اعتصاب	سیمان آمیک تهران	کسب حقوق - مزایای عقب افتاده	کسب حقوق - مزایای عقب افتاده	سیمان آمیک تهران
۷۵ تومان اضافه حقوق ، ۱۲۰۰ ماهی است	تعمین	کارگران سازمان آب دزفول	افاقه حقوق پرداخت نشده	افاقه حقوق پرداخت نشده	کارگران سازمان آب دزفول
افاقه کاردرماه - ۵۰ تومان خرج			زیاد بودن ساعات کار - کمی حقوق	زیاد بودن ساعات کار - کمی حقوق	
ایاب و ذهاب درماه - نیم قالب بخت			کار در روزهای تعطیل	کار در روزهای تعطیل	
برای کارگران هریمپ آب - مایه خن			روشن شدن وضع کارخانه - اخراج	روشن شدن وضع کارخانه - اخراج	
یک اتاقک برای هر پمپ - عدم دخالت مدیریت و زورگویی وی کارگران			عوامل ارتجاع	عوامل ارتجاع	
پرداخت حقوق از ۹۲ میلیون تومان			رسمی شدن	رسمی شدن	
پول نزد شرکت نفت - بازگشت کلیه کارگران - حق اولاد - حق بیمه - حق مسکن - حق اخراجی - عیدی - ۱۵ روز کار ریایی - خسارت نقض عفو روزی ۴ ساعت اضافه کار - حقوق و روزهای تعطیل رسمی - حق ایاب و ذهاب		شرکت ولیپام برادرز	حقوق منتهی و کاهل ساعات روزانه کار	حقوق منتهی و کاهل ساعات روزانه کار	
مشکلات رفاهی و بهداشتی			رسمی شدن ، حقوق ، امکانات رفاهی	رسمی شدن ، حقوق ، امکانات رفاهی	
اداره کارخانه توسط کارگران و اخراج کارفرما و سایر عوامل	تشکیل محلات کارگری کویان	کارگران محلات کارگری کویان	طوبیگری از انتخا با ت هیئت مدیره اعتراض به تهدید اخراج کارگران	طوبیگری از انتخا با ت هیئت مدیره	کارگران محلات کارگری کویان
خلع بداز بیمه کارکنان - بازگشت نمایندگان - سرکار لغو ماده ۹۱۱ تصویب شورای انقلاب	مدور قطعنامه بر علیه مدیریت و کارفرما	کارخانه تراکتور سازی تبریز	طلب قدرت از کارفرما - افزایش دستمزد ایجاد شرکت تعاونی	طلب قدرت از کارفرما - افزایش دستمزد ایجاد شرکت تعاونی	کارخانه تراکتور سازی تبریز
پرداخت بقیه پاداش عید - ۴۵ روز مرخصی سالانه - حق لباس ابلاغ حکم رسمی وزارت کار - حق مسکن ۹۰۰۰ تومان - تعطیلی پنجشنبه ها	اعتصاب	شرکت بیمه نکاری ریمینکو آسپادان	رسمیت پیدا کردن شورای کارکنان	رسمیت پیدا کردن شورای کارکنان	شرکت بیمه نکاری ریمینکو آسپادان
تهیه کار برای کارگران - حق بیمه برای وام بیکاری - واگذاری مکان برای جلسات کارگران بیکار	تعمین در مقابل امتاندا - ری راهیما ۴۰۰ نفره و درگیری با سپاه و ضرب و شتم کارگران	کارگران بیکار تبریز	بدنبال حمله رژیم به خوابگاه سرچشمه کورسان	بدنبال حمله رژیم به خوابگاه سرچشمه کورسان	کارگران بیکار تبریز
			برکناری مدیر و عوامل آن بازگشت نمایندگان بر سرکار	برکناری مدیر و عوامل آن بازگشت نمایندگان بر سرکار	
			افزایش دستمزد و پرداخت حقوقها سر	افزایش دستمزد و پرداخت حقوقها سر	

نبرد

دلیل و خواسته های مبارزاتی کارگران	اشکال مبارزاتی	اسامی کارخانجات و مکانهای کارگری	اسامی کارخانجات و مکانهای کارگری	دلیل و خواسته های مبارزاتی کارگران
۴۰ ساعت کار در هفته و سایر حقوق منصفی	اعتصاب	شرکت ساختمانی مازندران	شرکت زهراکس تهران	عدم پرداخت اضافه حقوق سالانه
حقوق عقب افتاده و سایر امور رفاهی	اجتماع کارگران در محوطه کارگاه	شرکت تهرانتون - زاهدان	کارخانه ها ویلوس تهران	عدم پرداخت مزایا و پاداش
اعتراض به دستگیری یک نماینده از کارگران و خواست مذاکره برسر احقاق حقوق خود	تخصن در دانشسرای عالی	شرکت تهرانتون - قزوین	کارخانه نان زرخ - قزوین	احقاق حقوق قبلی و ملی کردن شرکت
گرفتن یکماه عیدی ، انحلال شورای قلابی	اعتصاب	کارخانه چیت ممتاز تهران	شرکت تهرانتون - قزوین	مزبور
دریافت سودویژه و عیدی	اعتصاب	کارخانه ماشین سازی تبریز	کارخانه نان زرخ - قزوین	حق عائله
حمایت از کارگران مازندران	تخصن	کارخانه ها لایف تراک - کمپیدرو	کارخانه ها لایف تراک - کمپیدرو	خارج کردن ۴ زندکار توسط کارگران
حقوق و سود ویژه و عیدی خواسته های منصفی و سودویژه	اعتصاب	کارخانه کبریت توکل تبریز	کارخانه کبریت توکل تبریز	اعتراض به دستگیری نمایندگان
حقوق و مزایا و امکانات رفاهی	اعتصاب	کارخانه سیفان افغان	کارخانه سیفان افغان	خواستار و تهیه امکانات رفاهی
پروزی در کسب ۴۰ ساعت کار در هفته و سایر حقوق منصفی	اعتصاب	شرکت ساختمانی مولسوی بندرلنگه	شرکت ساختمانی مولسوی بندرلنگه	اعتراض به اخراج نماینده خود و استخدام رسمی کلیه کارگران و سایر حقوق منصفی
بشتیانی از کارگران اخراجی و خواسته های سیاسی و منصفی	اعتصاب	کارخانه پاک و ش تهران	کارخانه پاک و ش تهران	حقوق منصفی
حمایت از کارگران اخراجی و خواسته های منصفی	اعتصاب	سندیکای فنی پروزی	سندیکای فنی پروزی	اعتراض به قصد تعطیل کارگاه
حقوق منصفی - انکال شورای زندکارگری	اعتصاب	مجمع صنایع فولاد هواز	مجمع صنایع فولاد هواز	خواستار منصفی
پروزی در گرفتن سودویژه	اعتصاب	کارخانه ایراک تبریز	کارخانه ایراک تبریز	اعتراض به اخراج ۵ نفر از کارگران
سود ویژه - برگرداندن کارگران اخراجی	اعتصاب	کارخانه سیمکو گیلان	کارخانه سیمکو گیلان	خواست ۴۰ ساعت کار در هفته
	اعتصاب	کارخانه پشم و پتویی تبریز	کارخانه پشم و پتویی تبریز	پرداخت حقوق منصفی و عیدی

دلائل و خواسته های مبارزاتی کارگری	اشکال مبارزاتی	اسامی کارخانجات و مکانهای کارگری	دلائل و خواسته های مبارزاتی کارگری	اشکال مبارزاتی	اسامی کارخانجات و مکانهای کارگری
افاغه دستمزد نتیجه افافه شدن دستمزد و ادا مه مبارزه کارگران (چرخ کش، گلساز، آتنگار، کوره چین) برای حقوق منفی	اعتصاب	کارگران ۳۰۰ کوره پزخانه (ملایر)	کسار حمایت از نمایندگان اخراجی و سر کناری معین فسر کسب حقوق عقب افتاده	راهپیمائی راهپیمائی ۲۰۰ نفره	کارگران بیکار زاهدان پالایشگاه آب آدان
اعلام تعطیلی پیچشبه ها از طرف خود کارگران درگیری با سپاه زخمی شدن ۶ نفر و دستگیری ۵۰ کارگر محاکمه فوری و علنی مدیر-حق نظارت برای شورا	تشکیل اجتماع و دادن شمار در محوطه کارخانه اجتماع ۲۰۰ کارگر اخوا- جی در مقابل کارخانه ادامه مبارزه گذشته بشکل متناوب با تحم ، اعتراض و ...	کارخانه ایران ناسیونال تهران کارگران ایران ناسیونال تهران کارگران بنز خاور تهران تهران شرکت قافیهام (شعبان نو تهران کارخانه کلوکوزان قزوین کارخانه مینو (بفک سازی تهران	اعتراض به اخراج کارگران و نتیجتا بازگشت آتنگان پشتیبانی از شوراها و آزادی ۷ تن از ۱۰۶ نمایندگان ۳۱ شورای کارخانه در جلسه پنجمین کنگره اتحادیه- سراسری	اعتصاب اعتصاب اعتصاب	کارخانه نساجی قائم شهر آباد کارگران شرکت ساختنی دریاگان (بدرآباد دهم آباد
اعتراض به تعطیلی شرکت در ادا مه مبارزه آنها تولید و توزیع شوری کارگران خواسته های منفی	مصادره سرمایه کارخانه اعتصاب	کارخانه پارس متال تهران شرکت ساختنی گسترش تهران کارکنان سازمان آب تهران کارگاه ساختنی آب آدان تهران	عدم پرداخت وام از طرف دولت از طرف مدیریت	گروگانگیری مدیر کارخانه —	کارخانه چوکا (تهران) کارخانه خنکاب تهران وام (تهران) اعتراض کارگران متقانی کارخانه تختاب تهران ۱۵۰۰ تن از کارگران کوره پزخانه ها (محمودآباد) ۲۰۰ تن از کارگران کوره پزخانه شاد شهر (جاده ساهو) کشت و صنعت کارون اهواز
کسب حقوق و مطالبه ها ۵٪ حقوق ها کم شده آزادی ۳ نماینده و تشکیل شورا	گروگانگیری ۲ نفر از مند پران اعتصاب اعتصاب	شرکت ساینر (سربند ماهیگیر کارخانه البرز تهران کارخانه دوب آه- انفشان شرکت ساختنی آمریکا تهران	بازگشت وی ۴۰ ساعت کار - شورا - جلوگیری از دستگیری نمایندگان ۴۰ ساعت کار - احتساب نیم ساعت نهار بحساب کسار مطالبه حقوق گذشته و درگیری با پاسداران بازگشت بکار - درگیری و دستگیری عده ای از کارگران اجرای ۴۰ ساعت کار و سایر حقوق منفی جلوگیری از انحلال شوراها - برکناری وزیر نفت	اجتماع کارگران و اخراجی و خاندان هایشان اعتصاب اجتماع ۱۵۰ کارگر عرب	کارخانه توشیبا تهران ۳۰۰۰ کارگر شرکت نفت آب آدان کارگران اخراجی و بیکار خیاط (تهران) کارخانه نوافرم (تهران) کارگران شرکت نفت تهران
کنترل تولید و شورای واقعی خواست پرداخت حق مسکن اعتراض به اخراج ۵۰۰ کارگر نجانا رینا آرام توبند و ساهو برگشت کارگران اخراجی - حق داشتند کسار	تهدید به اعتصاب و اعتراض کتبی کارگران — تحم و نظا هرات غیابانی	کارخانه ساینر (سربند ماهیگیر کارخانه البرز تهران کارخانه دوب آه- انفشان شرکت ساختنی آمریکا تهران	—	—	—

دلیل و خواسته های مبارزاتی کارگری	اشکال مبارزاتی	اسامی کارخانجات و مکان های کارگری	مبارزاتی کارخانجات و مکان های کارگری	دلیل و خواسته های مبارزاتی کارگران	اشکال مبارزاتی	اسامی کارخانجات و مکان های کارگری
بازگشت بکار	تجمع و تحصن مقابل استانداری	کارگران اخراجی کارخانه پلی اکریل اصفهان	حق تولید ، سنگینی کار و سوزیدگی حمایت از شورا و ۴۰ ساعت کار در هفته حمایت از کارگران اخراجی و حقوق منافی حمایت از کارگران مبارز اخراجی	اعتراض به لغو سود ویژه	اعتصاب	کارخانه گشکس تهران کارخانه گشکس گیلان کارخانه چیت ممتاز تهران ۵۰۰ تن از کارگران کارخانجات نجات آمل
دخالت حزب الهی های کارخانه و چما برخیزید ...	اعتراض و تحصن	کارخانه مینو تهران	اعتراض به لغو سود ویژه	اعتراض به اخراج ۸۵ نفر از کارگران در اعتراض به اخراج ۳۸ کارگر مبارز	اعتصاب	کارخانه آلومینیم سازی تهران
قادران در امور کارگران کشته شدن یک کارگر بخاطر نبود پول	اعتراض به شهرداری	کارگران شهرداری مشهد (نقاش)	اعتراض به اخراج ۸۵ نفر از کارگران در اعتراض به اخراج ۳۸ کارگر مبارز	اعتصاب	اعتصاب	شرکت ساختمانی پورسا تهران کارخانه سیمان وی (آرما - توربینی و تخته بندی) کارگران بیگانه پروژه ای گچساران
پل ایمنی کاهش دستمزد و اخراج ۲ نفر	اعتصاب	کارگران مرغداری رزبان وا بسته به واحد گروتهو - لیدی ایفا (آمل)	حقوق منافی کم کردن مدت آموزش	اعتصاب	اعتصاب	شرکت پارک پرنس آرمه تراکتور سازی تبریز (کسار آموزان کارگری) شرکت پارسلون (تولید نخ نایلون) خرم آباد هتل بین المللی تهران
افاده دستمزد ۱۰۰ تومانی	اعتصاب	کارگران بیگار (بندسدر ماه شهر)	بازگشت به شرکت ، برگشت به کسار در یافت حقوق عقب افتاده بازگشت به کار و تعقیب با تمام نقل و محاب هتسل	اعتصاب	اعتصاب	کارخانه پارس الکتریک رشت کارگران اخراجی آرمه تسا و آرمه تهران
خواست شروع بکار و گرفتن حقوق منافی پیروزی در بازگشت بکار	تظا هرات	گروه تولیدی کارخانجات پارس مینوی تهران	بازگشت به کار و کسب حقوق منافی بازگشت ۷۵٪ کارگران و پرداخت حقوق	اعتصاب	اعتصاب	گروه صنعتی بهشهر اعتراض شرکت تماونی ممکن مخابرات تهران کارخانه تهروتا بلورشت (شهر صنعتی رشت) شرکت های طرح گسترش شیا نی "گاما" زمینه "خانز ده " شیراز
خواست های سیاسی و منافی اعتراض به تعطیلی کارخانه - سودی و سایر حقوق و مزایا	تظا هرات	کارگران بیگار (بندسدر ماه شهر)	بازگشت به کار و کسب حقوق منافی بازگشت ۷۵٪ کارگران و پرداخت حقوق	اعتصاب	اعتصاب	گروه صنعتی بهشهر اعتراض شرکت تماونی ممکن مخابرات تهران کارخانه تهروتا بلورشت (شهر صنعتی رشت) شرکت های طرح گسترش شیا نی "گاما" زمینه "خانز ده " شیراز
اعتراض به دروغ گوئی رژیم ، منافی پرداخت عیدی - ۲ کشته و ۳ زخمی ملی کردن گروه تولیدی - خواسته های منافی	تظا هرات	کارگران بیگار (بندسدر ماه شهر)	بازگشت به کار و کسب حقوق منافی بازگشت ۷۵٪ کارگران و پرداخت حقوق	اعتصاب	اعتصاب	گروه صنعتی بهشهر اعتراض شرکت تماونی ممکن مخابرات تهران کارخانه تهروتا بلورشت (شهر صنعتی رشت) شرکت های طرح گسترش شیا نی "گاما" زمینه "خانز ده " شیراز
اعتراض به دستگیری نمایندگان و خواست های منافی	تظا هرات	کارگران بیگار (بندسدر ماه شهر)	بازگشت به کار و کسب حقوق منافی بازگشت ۷۵٪ کارگران و پرداخت حقوق	اعتصاب	اعتصاب	گروه صنعتی بهشهر اعتراض شرکت تماونی ممکن مخابرات تهران کارخانه تهروتا بلورشت (شهر صنعتی رشت) شرکت های طرح گسترش شیا نی "گاما" زمینه "خانز ده " شیراز
حمایت از کارگر و کارمند ، تعقیب شده و خواهان بازگرداندن آفاق بر کسار	تظا هرات	کارگران بیگار (بندسدر ماه شهر)	بازگشت به کار و کسب حقوق منافی بازگشت ۷۵٪ کارگران و پرداخت حقوق	اعتصاب	اعتصاب	گروه صنعتی بهشهر اعتراض شرکت تماونی ممکن مخابرات تهران کارخانه تهروتا بلورشت (شهر صنعتی رشت) شرکت های طرح گسترش شیا نی "گاما" زمینه "خانز ده " شیراز
اعتراض به اخراج کارگران و خواهان قوانین منضم در برابر سرمایه داران	تظا هرات	کارگران بیگار (بندسدر ماه شهر)	بازگشت به کار و کسب حقوق منافی بازگشت ۷۵٪ کارگران و پرداخت حقوق	اعتصاب	اعتصاب	گروه صنعتی بهشهر اعتراض شرکت تماونی ممکن مخابرات تهران کارخانه تهروتا بلورشت (شهر صنعتی رشت) شرکت های طرح گسترش شیا نی "گاما" زمینه "خانز ده " شیراز

دلائل و خواسته های مبارزاتی کارگری	اشکال مبارزاتی	اسامی کارخانجات و مکانهای کارگری	دلائل و خواسته های مبارزاتی کارگری	اشکال مبارزاتی	اسامی کارخانجات و مکانهای کارگری	پیوسته ۲۱
جلوگیری از اخراج ۱۸ تن از کارگران و یا بازخرید آنها توسط مسئولین سود ویژه	اعتراض کارگران به مسئولین درگیری و دستگیری کارگران	باطمی سازی صنایع دفاع ملی کارخانه علاءالدین تهران	اخراج ۱۳ تن از کارگران بعلت افشای از شورا - حمایت کلیه کارگران از افراد اخراج شده و جمع آوری پول برای آنان	انتشار اسناد افشاگرانه از شورا و مدیریت	کارخانه بافکار (ری) تهران	
سود ویژه	تهیه اطلاعیه و طومار	کارخانه کبریت سازی میتساز	سود ویژه	درگیری و دستگیری کارگران	کارخانه ایرانیت تهران	
اعتراض به اخراج ۴ کارگر مبارز کارخانه	اعتصاب	کارخانه ایربرسلان رشت	آزادی نصب اعلامیه و پوستر از سوی گروهها و سازمانها برای انتخابات	درگیری با اعتصاب انجمن اسلامی و کار فرما	کارخانه بنز خاور تهران	
اعتراض به لغو سود ویژه	اعتصاب	شرکت روغن نباتی جهان	تشکیل شورای واقعی - امکانات بهداشتی و رفاهی - درگیری با سپاه و کوشش با ساداران - پیروزی در کسب خواسته ها	اعتراضات مکرر به کار فرما	کارگاه شوگ غرب تهران	
افزافه حقوق	تهیه طومار برای فرستادن برای مدیر	ماشین سازی اراک	حمایت از سه کارگر انقلابی کارخانه	اعتصاب و راهپیمایی	کارخانه ایران میتون شیراز	
جلوگیری از اضافه قیمت پتو جلوگیری از بیکار شدن کارگران	اعتصاب	کارگران باطمی سازی در شعبه جلدسازی	اخراج ۲ نفر و اخذ پتو به کارگران	کم کاری و اعتراض به کارفرما	شرکت ایران کارستان تهران	
اعتراض به قطع فروش محصولات به کارگران	اعتصاب	کارخانه شیر پاک - کارخانه فراست	اعتراض به تعطیلی مجتمع و بیکاری ۱۲۰۰ کارگر	تظلمات در محل کار و انجام تظلمات در خیابانهای شیراز و تجمع در جلوی استانداری	مجتمع پتروشیمی شیراز	
مساعده - سود ویژه پاداش	تهدید به اعتصاب اعتصاب و جلوگیری از خروج کالا	کارخانه ایران والانو کارخانه دینا نیا	اخراج یک کارگر و تهدید بقیه به اخراج و تعطیل کارگاه توسط کارفرما حقوق ماهه عقب افتاده	اعتراض به کارفرما	شرکت ایران کارستان تهران	
اعتراض به اخراج نمایندگان شورا	اعتراضات مکرر و در- گیری با سپاه در کار- خانه	کارخانه ایرالکو	حق مسکن و اضافه کاری های سابق پیروزی بعد از سه روز خواست حق مسکن و اضافه کاری - توبیخ کارگر کتک زدن کارگر و مسئول	اجتماع در مقابل اداره مرکزی و تصمیم به راهپیمایی	کارگران بافکار و کار- گران شوگ ۵۰۰ تهران	
تعطیل کردن روزهای تعطیل رسمی و انجام اضافه کاری در روزهای غیر رسمی	اعتصاب	کارگران شرکت واحد اتو- بوسرانی تهران	حق مسکن و اضافه کاری های سابق پیروزی بعد از سه روز خواست حق مسکن و اضافه کاری - توبیخ کارگر کتک زدن کارگر و مسئول	اعتراض به کارفرما	کارگران سازمان آب تهران	
اعتراض به قطع ۲/۵ ساعت - کارگران به علت ترابری جنگ منفی	راهپیمایی بسمت دفتر مرکزی	کارخانه سیمان سپاهان	حق مسکن و اضافه کاری های سابق پیروزی بعد از سه روز خواست حق مسکن و اضافه کاری - توبیخ کارگر کتک زدن کارگر و مسئول	اعتراض به کارفرما	تهران اداره برق منطقه ای شیراز (قسمت تعمیرات)	
	اعتصاب و تجمع	کارخانه مهرب	توبیخ بوسیله سایر کارگران	اعتراض به کارفرما		ویژه تا ۲۰ بهمن ۵۹

[illegible]

دلائل و خواسته های مبارزاتی	اشکال مبارزه	مبارزات توده ها	دلائل و خواسته های مبارزاتی	اشکال مبارزه	مبارزات توده ها
اشغال بکار	اشغال بکار	مبارزات توده ها	دلائل و خواسته های مبارزاتی	اشکال مبارزه	مبارزات توده ها
لغو قوانین قبلی در تظاهرات - وام -	اشغال بکار	مبارزات توده ها	دلائل و خواسته های مبارزاتی	اشکال مبارزه	مبارزات توده ها
شوراهای دهقانی	اشغال بکار	مبارزات توده ها	دلائل و خواسته های مبارزاتی	اشکال مبارزه	مبارزات توده ها
بیرون رفتن با سواران از شهر - محکوم کردن حملات سپاه به کتایب و شبهه های انقلابی	اشغال بکار	مبارزات توده ها	دلائل و خواسته های مبارزاتی	اشکال مبارزه	مبارزات توده ها
لغو گماشتگی در ارتش - لغو قوانین دست و پا گیر - امکانات رفاهی	اشغال بکار	مبارزات توده ها	دلائل و خواسته های مبارزاتی	اشکال مبارزه	مبارزات توده ها
اعتراض به تقلب در انتخابات و رد و بار	اشغال بکار	مبارزات توده ها	دلائل و خواسته های مبارزاتی	اشکال مبارزه	مبارزات توده ها
خرید خانه های گود ب قیمت مناسب	اشغال بکار	مبارزات توده ها	دلائل و خواسته های مبارزاتی	اشکال مبارزه	مبارزات توده ها
گرائی اجناس	اشغال بکار	مبارزات توده ها	دلائل و خواسته های مبارزاتی	اشکال مبارزه	مبارزات توده ها
آزادی ۲۰ روزنامه نگار - حمایت کلیه نیروهای مترقی	اشغال بکار	مبارزات توده ها	دلائل و خواسته های مبارزاتی	اشکال مبارزه	مبارزات توده ها
مبارزه با محدودیت آزادیها	اشغال بکار	مبارزات توده ها	دلائل و خواسته های مبارزاتی	اشکال مبارزه	مبارزات توده ها
خواست برکناری آنها	اشغال بکار	مبارزات توده ها	دلائل و خواسته های مبارزاتی	اشکال مبارزه	مبارزات توده ها
تحریک سپاه و درگیری و کشته شدن چند نفر	اشغال بکار	مبارزات توده ها	دلائل و خواسته های مبارزاتی	اشکال مبارزه	مبارزات توده ها
دفاع از حقوق زندانیان سیاسی	اشغال بکار	مبارزات توده ها	دلائل و خواسته های مبارزاتی	اشکال مبارزه	مبارزات توده ها
اعتراض به دستگیری ساداتی - حمایت نیروهای انقلابی	اشغال بکار	مبارزات توده ها	دلائل و خواسته های مبارزاتی	اشکال مبارزه	مبارزات توده ها
اعتراض به تحریکات ترافیک و تلویزیون	اشغال بکار	مبارزات توده ها	دلائل و خواسته های مبارزاتی	اشکال مبارزه	مبارزات توده ها

دلائل و خواسته های مبارزات سیاسی	اشکال مبارزه	مبارزات توده ها	دلائل و خواسته های مبارزات سیاسی	اشکال مبارزه	مبارزات توده ها
آتش زدن ماشین جهاد و تفتیش خوا روبرو آن در بین مردم	تظا هرات و درگیری با سپاه	مردم و دانش آموزان	آزادی زندانیان کشت و زشتی به حاکم	تخمین در اداره مخابرات	زبان کشتاور و روستای حصارک خسروان
اعتراض به وجود سازان در شهر	حمله با سنگ به تظا هرات	مردم سنج	کردن سانسور حاکم بر ادبیات و تلوین	مدور قطنانه	مردم بلوچ زاهدان
خواست رسیدگی به وضعیت آنان از سوی دولت . رسیدگی به خواسته های اقتصادی آنان	ات پاداران و جهاد و فراری دادن آنها	نما بینندگان پنجهزار	قطع تبلیغات سوء ا رگانه های تبلیغاتی	راهپیمایی بسمت مریمیان	هزاران تن از مردم سنج
پشتیبانی از افسر انقلابی بهروز- نیا - خودمختاری بی مسکنی و نبود امکانات رفاهی	هر محل کشتیرانی	ملوانان و کشتی رانان ملی	جنگجویی از سرکوب مردم مریمیان	مقاوم	مردم کامیاران
	تظا هرات و اعتصاب عمومی	سنج	مردم مشغول خواندن اعلامیه بوده اند	کشته شدن یک پادار حین حمله با نارنجک به مردم	مها باد - چهارراه آذانی
سیاسی - خروج سپاه از شهر پیروزی در اخراج پاداران	مصادره انقلابی آ پار- نما نهایی خیابان میر- داماد	مردم سنج	اعتراض به حملات سپاه - آزادی سیاسی	تظا هرات در جلوی استانداری	مردم مها باد
صنفی - سیاسی	تخمین در آموزش و پرورش	مردم سنج	آزادی سیاسی	کشته شدن دو پادار	مها باد : حمله سپاه به خانه عزالدین حسینی
کار - محکوم کردن اعمال سپاه پاداران	تخمین در فرمانداری	مردم سنج	خودمختاری و رسمیت یافتن حق اهل سنت	تعطیل کردن مغازه ها و اجتماع در مسجد جامع	مها باد : بازاریان و کسبه
خواست کار - حق بیکاری - بازگردداندن دانش آموزان اخراجی - مصادره سرمایه های امیربالیستی	تخمین و اعتماد غذا در سالن شهرداری	دبلمه های بیکار را مهرمز	اشتغال بکسار	تظا هرات و تخمین جلوی نخست وزیری	دبلمه های بیکار تهران
خراب کردن آلودگی های مردم بسمت وسیله بولدور	درگیری با زندا رهها	همدان - دبلمه های بیکار و فارغ التحصیلان	خواست اشتغال به کار - حمایت مردم و آزاد کردن دبلمه های دستگیر شده	تظا هرات و درگیری با عود	دبلمه های بیکار ممسنی
تصفیه در اداره - برکناری سرهنگ ابروانی سرسپرده رژیم شاه	و کمیته چپها	مردم اهالی مبارک آباد	آزادی زندانی سیاسی	میل سپاه و شهادت یک نفر	مردم سنج
	تظا هرات در بیرون اداره	و کاظم آباد غرب مجیدیه	اعتراض به ورود پاداران از میاندوآب	حمله به شهر بانی کشته شدن یک افسر شهر بانی	مردم مها باد
در اعتراض به کمبود مسکن	مصادره انقلابی آ پار- تمان ۱۰ طبقه حوالی میدان انقلاب	زخمی کشان و زاغه نشینان تهران	اعتراض به شهادت دو پیشمرکه در زیر شکنجه - حمایت از کارگران صیاد بندرانزلی - اعتراض بسمت پاداران	راهپیمایی شهر بانی	مردم سنج و دانش آموزان

نبرد

دلائل و خواسته‌های مبارزاتسی	اشکال مبارزه	مبارزات توده‌ها	دلائل و خواسته‌های مبارزاتسی	اشکال مبارزه	مبارزات توده‌ها
اعتراض به طرح ترافیک	۱- تحمیل در مقابل تما - و نی تاکسیرانان ۲- اعتصاب در مقابل شهرداری	۵۰۰ تا کسی ران تهران	اعتراض به توهین کردن به نظامیان از سوی مسئولین معاذره زمینهای یکی از سرما به - وتفکیک آن	اعتصاب تحمیل در فرمانداری	همافران و درجه‌داران پوششگر کبر نشینان خرمشهر
رسیدگی به شکایت آنان حمایت از خانواده‌های شهدای سینما رکس	تحمیل در ادارات تظاهرات برعلیه رژیم تظاهرات در جلوی شهرداری تظاهرات مقابل استان داری اراک	با زما ندگان شهدای سینما رکس مردم آب‌آبادان مردم رشت اهالی قرچک دهقانان برجلو (اراک)	آزادی آتن از ناپیدنگان آنها برکناری فرماندهان مزدور ارتش اعتراض به هجوم مسلحانه عوام ارجاع به مرکز امداد پزشکی	راهپیمایی تحمیل در محل امداد پزشکی	درجه‌داران نیروی هوایی تهران خانواده‌های شهدا و زندا نیان سیاسی مجاهدین خلق ایران
رسیدگی به توهین تکرار تیک تا مین آب‌وشکل دودگوره‌ها اعتراض به آزادی یکی از فتودالیه‌های بزرگ که توسط دهقانان دستگیر شده بود	تظاهرات در جلوی شهرداری تظاهرات در جلوی استانداری تظاهرات در جلوی استانداری تظاهرات در جلوی استانداری تظاهرات در جلوی استانداری	اهالی روستای سعادت‌آباد (مرودشت) زنان زحمتکش ملایر	آب و برق - بهداشت محیط رسیدگی به وضع قطعات بدکی - کوپن بیزین - آزاد شدن سندناگی مکوم کردن قتل دکتر نریمیا ایقاع دکه‌ها یا اشتغال به کار	راهپیمایی (درگیری با سپاه) اعتصاب	۱۰۰۰ خانوار ساکن خانی آباد تاکسیرانان اهواز
لوله کشی آب	تحمیل و تظاهرات در اداره آب و برق درگیری با سپاه	مردم قادی محله (آمل)	" " " " " " " "	صدر قطعه‌ها راهپیمایی و درگیری با سپاه - شهادت آتن درگیری با سپاه پاسدار و دستگیری عده‌ای از دکه‌داران	پژنگان حین تخاص دکه‌داران تهران دکه‌داران اهواز
اعتراض و جلوگیری از دستگیری نیرو های انقلابی - مجاهدین - جلوگیری از انهدام دکه‌ها	درگیری و دستگیری ۲ پاسدار و تحویل آنها به شهرداری تحمیل درگیری با سپاه پاسدار ان و دستگیری عده‌ای	دکه‌داران قاشمشهر (کبریت محله ، مجاور - محله وترکه محله) معلمان فیروزکوه مردم نارمک تهران	آزادی از زندان - پس گرفتن زمین های خود کشتن یکی از جوانان اهل محل آب ، برق ، بیکاری خواست زمین	اعتصاب غذادر زندان اعتصاب منطقه حومه خرمشهر راهپیمایی و تظاهرات برعلیه پاسداران تظاهرات معاذره نقلی زمینهای یکی از ملاکین بزرگ بستن جاده کرچ - چالوس	دهقانان با بل مردم منطقه حومه خرمشهر اهالی خیرآباد داراب دهقانان زحمتکش روستای خان تپه رودسر زحمتکشان زورآباد کرچ
اعتراض به رفتن به کردستان گرفتن آب برای زمینهای خود	درگیری بین فرمانده و عده‌ای از مبارزان درگیری با مالکان و بستن جاده	کارمندان ادرا بهزیستی حسن آب‌آباد هنگ ژاندارمری رشت زحمتکشان روستای زحمتکشان روستای (دم - تنگ) فارس	اعتراض به بی توجهی رژیم به خواسته‌های آنان (تا مین مکوم) آزادی افراد دستگیر شده از اهالی	مراجعه به نخست وزیری	اهالی زحمتکش کاظم آباد مجیدیه

دلائل و خواستههای مبارزات	اشکال مبارزه	مبارزات توده ها	دلائل و خواستههای مبارزات	اشکال مبارزه	مبارزات توده ها
اعتراض به دستگیری زندانیان مجاهد در جبهه	اجتماع در مقابل باز- داشتگاه در بایکاهای سربندرها شهر درگیری با پاسداران بازسازی خانههای خویش بعد از ویرانی آنها توسط رژیم .	عدهای از مردم و خانواده های مجاهدین خلق انجمن کارکنان مسلمان وتودههای کثیری از مردم تهران زمینکشان محله خاک سفید تهران	جلوگیری از برداشتن دکهها جلوگیری از برچیدن دکهها اعتراض به اخراج عدهای از کارکنان نبود مکانات و بدی شرایط جلوگیری از حملات ارتجاع به نیرو- های انقلابی اعتراض به اخراج ۱۳۶ نفر خواست بازگشت به کار	درگیری با سپاه پاسداران درگیری با سپاه کبری عدهای اجتماع در مقابل ساختن مرکز فرار ۲۵ سرباز از گروه- هان ۴۵ نفری درگیری با عوامل سپاه وزندوران فالانز اجتماع در مقابل آموزش و پرورش	دکهداران شیراز (بارک شهر) دکهداران تهران (ترمینال شماره ۱) کارکنان اداره بندر خمینی ستاد ناوگان ترابری بندر عباس مردم و نیروهای انقلابی قائمیه مسلمان شهر آمل ۲۵۰ تن از کارکنان فرو- شکاهای زنجیره ای تهران میوه فروشهای مشهد مسلمان قائمیه بیکاران کرج مبارزات مردم محله تربیان لاهیجان (۷۰۰۰ - ۸۰۰۰) تن از مردم ساری اردوی آوارگان جنگ در ماه شهر اردوی آوارگان جنگی در بروجرد وانت با رهای تهران میدان کندی
اعتراض به دستگیری زندانیان مجاهد در جبهه	اجتماع در مقابل باز- داشتگاه در بایکاهای سربندرها شهر درگیری با پاسداران بازسازی خانههای خویش بعد از ویرانی آنها توسط رژیم .	عدهای از مردم و خانواده های مجاهدین خلق انجمن کارکنان مسلمان وتودههای کثیری از مردم تهران زمینکشان محله خاک سفید تهران	جلوگیری از برداشتن دکهها جلوگیری از برچیدن دکهها اعتراض به اخراج عدهای از کارکنان نبود مکانات و بدی شرایط جلوگیری از حملات ارتجاع به نیرو- های انقلابی اعتراض به اخراج ۱۳۶ نفر خواست بازگشت به کار	درگیری با سپاه پاسداران درگیری با سپاه کبری عدهای اجتماع در مقابل ساختن مرکز فرار ۲۵ سرباز از گروه- هان ۴۵ نفری درگیری با عوامل سپاه وزندوران فالانز اجتماع در مقابل آموزش و پرورش	دکهداران شیراز (بارک شهر) دکهداران تهران (ترمینال شماره ۱) کارکنان اداره بندر خمینی ستاد ناوگان ترابری بندر عباس مردم و نیروهای انقلابی قائمیه مسلمان شهر آمل ۲۵۰ تن از کارکنان فرو- شکاهای زنجیره ای تهران میوه فروشهای مشهد مسلمان قائمیه بیکاران کرج مبارزات مردم محله تربیان لاهیجان (۷۰۰۰ - ۸۰۰۰) تن از مردم ساری اردوی آوارگان جنگ در ماه شهر اردوی آوارگان جنگی در بروجرد وانت با رهای تهران میدان کندی
اعتراض به دستگیری زندانیان مجاهد در جبهه	اجتماع در مقابل باز- داشتگاه در بایکاهای سربندرها شهر درگیری با پاسداران بازسازی خانههای خویش بعد از ویرانی آنها توسط رژیم .	عدهای از مردم و خانواده های مجاهدین خلق انجمن کارکنان مسلمان وتودههای کثیری از مردم تهران زمینکشان محله خاک سفید تهران	جلوگیری از برداشتن دکهها جلوگیری از برچیدن دکهها اعتراض به اخراج عدهای از کارکنان نبود مکانات و بدی شرایط جلوگیری از حملات ارتجاع به نیرو- های انقلابی اعتراض به اخراج ۱۳۶ نفر خواست بازگشت به کار	درگیری با سپاه پاسداران درگیری با سپاه کبری عدهای اجتماع در مقابل ساختن مرکز فرار ۲۵ سرباز از گروه- هان ۴۵ نفری درگیری با عوامل سپاه وزندوران فالانز اجتماع در مقابل آموزش و پرورش	دکهداران شیراز (بارک شهر) دکهداران تهران (ترمینال شماره ۱) کارکنان اداره بندر خمینی ستاد ناوگان ترابری بندر عباس مردم و نیروهای انقلابی قائمیه مسلمان شهر آمل ۲۵۰ تن از کارکنان فرو- شکاهای زنجیره ای تهران میوه فروشهای مشهد مسلمان قائمیه بیکاران کرج مبارزات مردم محله تربیان لاهیجان (۷۰۰۰ - ۸۰۰۰) تن از مردم ساری اردوی آوارگان جنگ در ماه شهر اردوی آوارگان جنگی در بروجرد وانت با رهای تهران میدان کندی

دلائل و خواسته های مبارزاتی	اشکال مبارزه	نام و محل مدرسه	دلائل و خواسته های مبارزاتی	نام و محل مدرسه	اشکال مبارزه	دلائل و خواسته های مبارزاتی
تهدید به اخراج ۵ تن از دانش آموزان	کنترل دبیرستان در مقابل تهدید به اخراج ۵ تن - یورش پاسداران و انحلال مدرسه	دبیرستان شهید احمدشفت آبادی کیلان	رفع ممنوعیت تدریس یکی از دبیران اعتراض به تدریس بعضی معلمان حمایت از عزالدین حسینی اخراج قیاده موقت - خروج ارتشیان تحویل قاتلین ۴ دانش آموز لغو شهریه - آزادی فعالیت سیاسی لغو تفتیش عقاید - بازگرداندن دانش آموزان و معلمان اخراجی پشتیبانی از صیادان بندرانزلی تا مین جانی معلمان و دانش آموزان	دبیرستان آزاد پناه پیران	تخصن	دبیرستان آزاد پناه پیران
بازگشت ۵ تن از دانش آموزان	خواهش سرودهای انقلاب بی و دادن شعار راهپیمایی	دبیرستان دخترانه امیر کبیر	اعتراض به اخراج ۹ تن معلم مبارز آزادی دانش آموزان زندانی اعتراض به انتخاب رئیس دبیرستان	دبیرستان صدفه رضایی مسجد سلیمان	اعتصاب	دانش آموزان مدرسه با ند
بازگشت دانش آموزان اخراجی - محکوم کردن خفگان و تفتیش عقاید	سرود خواندن شعار - سرودخوانی و اجتماع تحریم کلاسهای درس راهپیمایی بسنت آموزش و پرورش - درگیری با سپاه و شهادت یکتن درگیری شدید با فافالانز	دبیرستان انقلاب	بازگشت معلم اخراجی - اخراج رئیس و معاون مدرسه اعتراض به محامره اقتصادی - نظامی مهاباد خواسته های صنفی - سیاسی	دانش آموزان مریمیان	اعتصاب و تحصن در آموزش و پرورش مریمیان	دانش آموزان مریمیان
بازگشت دانش آموزان اخراجی - آزادی سیاسی	راهپیمایی با حمایت دبیرستانهای فرزانه سندی - ایراندخت و...	دبیرستان ارض اقدس شیراز	پشتیبانی از کومهله - محکوم کردن دستگیری ۸ دانش آموز آزادی فعالیت سیاسی - تشکیل شورا های واقعی - اخراج مدیران انتصابی	دانش آموزان هنرستان صنعتی مسجد سلیمان	اعتصاب و تحصن	دانش آموزان هنرستان صنعتی مسجد سلیمان
آزادی فعالیت های سیاسی	-	دبیرستان آل احمد	آزادی فعالیت سیاسی - تشکیل شورا های واقعی - اخراج مدیران انتصابی	دانش آموزان مبارز کارمباران	تظا هرات	دانش آموزان مبارز کارمباران
آزادی های سیاسی	درگیری مسلحانه رژیم با دانش آموزان در دبیرستان	دبیرستان سعادت بوشهر	آزادی ۸ دانش آموز انقلابی آزادی ۲ دانش آموز مبارز - بازگشت معلمان اخراجی - تشکیل شورا های واقعی - ورزش	دبیرستان نهایی محبوبه متحدین ، پروین اعتمادی هنرستان بازرگان اهواز	تظا هرات	دبیرستان نهایی محبوبه متحدین ، پروین اعتمادی هنرستان بازرگان اهواز
دفاع و حمایت از دبیرستان فروغ رشت	تحصن (اعزام پاسدار زن)	دبیرستان فروغ رشت دبیرستان آلادپوش رشت	آزادی ۸ دانش آموز انقلابی آزادی ۲ دانش آموز مبارز - بازگشت معلمان اخراجی - تشکیل شورا های واقعی - ورزش	دبیرستان پویا و آلادپوش قاشمشهر	راهپیمایی و درگیری شدید با عوامل ارتجاع	دبیرستان پویا و آلادپوش قاشمشهر

ویژه نامه قیام دوشنبه ۲۰ بهمن ۵۹		نقد		صفحه ۲۹	
نام و محل مدرسه	اشکال مبارزه	دلائل و خواسته های مبارزانه	نام و محل مدرسه	اشکال مبارزه	دلائل و خواسته های مبارزانه
راهپیمایی ۶۰۰ نفری انحلال این مدرسه	آزادیهای سیاسی	هنرستان راه و ساختمان هومنه سرا (برق + خد- مات) مدرسه بدیع زادگان رضوان شهر منفی	دبیرستان سخت سر-ا مسر	تحریم کلاسهای درس	تعمیق دبیر ادبیات که به تیروهای انقلابی توهین کرده بود .
تحریم کلاسهای درس مدرسه را هنمایی و دبیر- ستان سراب دوره لرستان دبیرستان توحید (چاده ساوه) دبیرستان دانشمند	آزادیهای سیاسی اعتراض به رژیم و نظا- هرات تحمین و خواندن سرودهای انقلابی	اعتراض به تفتیش عقاید	دبیرستان ابن یمن مشهد	زدن پلاکارد و درشت نویسی و اعلامیه بر دیوار مدرسه	آزادی فعالیت های سیاسی
دبیرستان سعدی مشهد	اعتراض و شعاردهی بر علیه ارتجاع	آزادی فعالیت های سیاسی و محاکمه کردن یک فائز که پلاکاردپاره کرده بود .	دبیرستان کلرنگ	اعتراض و فضاگری از مدیر مدرسه	سیاسی از دیدن کیف یکی از بچه ها توسط مدیر و درآوردن اعلامیه و پوسترا ز داخل آن .
دبیرستان سپهرآبادان	تظا هرات خیابانی	آزادی فعالیت سیاسی - محکوم کردن حمله به کردستان و سیستم آموزشی لغو شهریه - پرداخت کمک هزینه ایجاد شورا های واقعی دانش آموزی حمایت از دبیرمه های بیکار متحمین در دادگستری	دبیرستان صدیقه رضایی مومنه سرا هنرستان طالقانی - میان دو آب دبیرستان دخترانه جلال آل احمد	تحمین اعتصاب تظا هرات	آزادی فعالیت های سیاسی - اعتراضی به اخراج عده ای از دانش آموزان اعتراض به دوسره شدن مدرسه
دانش آموزان دبیرستان - های شیراز	تظا هرات	آزادی فعالیت سیاسی و دانش آموزان اسیر	دبیرستان دخترانه دکتر ولی الله نصر دانشجویان انقلابی سراسر ایران	تظا هرات دانش آموزان انقلابی تظا هرات و درگیری بر عوامل رژیم	پروین اعتصامی آزادیهای سیاسی - جلوگیری از اخراج دانش آموزان انقلابی با زنگشایی دانشگاه ها
دانش آموزان مبارز مسجد سلیمان	تظا هرات	محکوم کردن توطئه های امیرالیم اعتراض به قانون اساسی و رفتار اعتراض به صدور حکم انتقال یکی از معلمین مبارز دبیرستان منفی - سیاسی			
دانش آموزان دخترانه ساوج بلاغ	اعتصاب				
دانش آموزان راهپیمایی و تحمین	راهپیمایی				
دانش آموزان مهلباد را هییمایی	راهپیمایی و تحمین	بر علیه بنی صدر			

مبارزات دهقانی

رشد سرمایه داری در روستا که از طریق برنامه اطلاعات ارضی امپریالیسم آمریکا صورت پذیرفت، نه بر راستای تسامیم در مقابل جنبشهای دهقانی بلکه به علت وجود ضرورت در روند انکشاف سرمایه امپریالیستی در مقابل با نظام فئودالی صورت پذیرفت همراه با رشد مناسبات سرمایه داری با درجات متفاوت در نقاط مختلف و حفظ بقایای فئودالیسم در نقاطی دیگر، اشکال متفاوتی از آرایش طبقاتی و درجات متفاوتی از جبهه گیریهای اقشار مختلف در ده را بوجود آورده است. از طرف دیگر وجود ستم ملی در بخشهایی دیگر نظیر کردستان و ترکمنستان صحرای ویزگیهای خاصی را بمبارزه طبقاتی در این نقاط بخشیده است.

بطور کلی دهقانان که تا قبل از قیام توده ها، حضور فعالی در صحنه مبارزات سیاسی نداشته و حتی در دوره مبارزات توده ها علیه رژیم شاه نیز نتوانستند مبارزه شکل گرفته ای را به پیش ببرند و مبارزاتشان نسبت به دیگر اقشار و گروه بندیهای اجتماعی از سطح نازلی برخوردار بوده است، پس از جریان قیام، این حرکت های دهقان بطرف شکل گرفتنی پیشرفته و بصورتی اوج یابنده رشد نموده است.

تکوبن و شکل گیری مبارزات دهقانی مخصوصاً در مناطقی با ویژگیهای ستم ملی و طبقاتی را میتوان در شکل توده های دهقانی در شوراهای واقعی دهقانی مشاهده نمود. در چنین شوراها و اتحادیه هائشی بوده که خواسته های انقلابی نظیر مصادره زمین ملاکین و فئودالها و حمایت از جنبش توده ها و خلقهای تحت ستم بکرات مطرح گردیده است. خصلت انقلابی این شوراها در رابطه با عملکرد این شوراها در آنجا که در مقابل با نیروهای ارتجاعی و فئودالها به شکل توده ها و هدایت شان در نبردی روباروی بر میخیزد قابل طرح است. و این نبرد با توجه به درجه رشد آگاهی سیاسی توده ها در مناطقی به درگیری مسلحانه با فئودالها و مرتجعین تبدیل شده است. چنین درگیریهایی بطور مشخص در مناطقی با ویژگی ستم ملی نظیر کردستان و ترکمن صحرای مشاهده شده، و در شمال (مازندران و گیلان) که درجه نسبی بالایی از رشد مناسبات سرمایه داری و بالا بودن سطح آگاهی توده ها موجود است درگیر یوهای موجود در شکل حاد مصادره زمین وجود داشته است. بطور کلی خصلت انقلابی این جنبشها نه تنها در شکل خواسته مصادره زمین، آب، و حتی دستگیری فئودالها و مالکان نهفته است، بلکه در همراهی این خواسته ها با خواسته های مشخص سیاسی نظیر تشکیل شوراهای واقعی، دفاع از حقوق خلقها و تقسیم اراضی بطرفی دموکراتیک نهفته میباشد.

از طرف دیگر پس از قیام با درهم شکسته شدن سنگرهای استبداد رژیم شاه فئودالها و مرتجعین که منافع خویش را در خطر میدیدند، جهت ترمیم شکستهای نظام کهن و بمنظور مقابله با توده ها بگرد یکدیگر در آمده و تشکیلات ضد انقلابی و ارتجاعی خود را بوجود آوردند و حمایت دولت موقت و کمیته ها را در پشت سر خود مشاهده نمودند.

۳ - بررسی زمینه های اقتصادی - اجتماعی و سیاسی موجود جهت رشد جنبشهای دهقانی میتوان عمده گی شرایط زیر را مشاهده نمود:

۱ - خوش نشینان که در پروسه رشد سرمایه داری نیروی کار ارزان در شهرها را بوجود آوردند در جریان قیام توده ها به علت وجود بحرانهای اقتصادی سیاسی موجود در جامعه و رکود بازار کار، شرایط بازگشت شان از شهر به ده فراهم گردید. از طرف دیگر اینان فاقد امکانات لازم جهت تامین زندگیشان میباشد زیرا که فاقد زمین (یا) فاقد زمین کافی) و امکانات کشت بوده و در واقع خواست مصادره و تقسیم زمین عمدتاً از طرف همین بخش از جمعیت ده نشینان مطرح میشده و اینان بیشترین تضاد را با فئودالها و خانها و ملاکین دارا بوده اند.

۲ - همچنین، جنبه دیگری که در جریان قیام توده ها بر رشد آگاهی سیاسی دهقانان عمیقاً تاثیر گذارده است، مساله حرکت فیزیکی دهقانان از شهر به ده میباشد. این دهقانان تجربیات خود را از مبارزات توده ها از شهر به ده انتقال میداده اند.

با جمع بندی از مبارزات اقشار مختلف دهقانی در طول دو سال که از قیام بهمن ماه میگذرد به این نتیجه میرسیم که عمده نیروهای شرکت کننده در جنبش های دهقانی در درجه اول دهقانان فقیر و سبب دهقانان میانه حال بوده اند. بطوریکه خواسته های آنها عمدتاً در جهت تشکیل شوراهای واقعی دهقانی و مصادره زمین از فئودالها بوده است. این خواسته ها در مناطقی از کردستان با درگیری مسلحانه و در بسیاری از مناطق دیگر با برخوردهای فیزیکی با فئودالها و مرتجعین همراه بوده است. دهقانان مرفه به علت امکانات مالی و رفاهی و نیز استفاده از کار مزدوری ماهیتاً قادر به ارائه خواسته های رادیکال نظیر تقسیم زمین و تشکیل شوراهای واقعی نمیشدند، دهقانان مرفه بعد از قیام در وحدت با زمینداران شوراهای کشاورزان را بوجود آورده و در آن ها تنها خواسته های رفاهی، خدماتی و کمکی مالی را مطرح ساخته و بنا به ماهیت خود گفتگوئی از تقسیم زمین به میان نیاوردند زیرا که با رشد

و گسترش دهقانان فقیر مساله تقسیم زمین برای آنها پس ناگوار میباشد. در واقع شرایط مطلوب برای آنان رسیدن به بزرگ مالکی از طرفی و استثمار پرولتر و نیمه پرولتر ده از طرف دیگر است و وحدت آنها با زمینداران تضمینی برای حفظ موجودیت شان میباشد. نگرستن به جنبشهای دهقانی بمشابه جنبش رشد یابنده، اهمیت دادن به نقش دهقانان فقیر در درجه اول و سپس به نقش دهقانان میانه حال در این جنبش

وظایفی بس خطیر را در پیش روی کمیته ها قرار میدهد تا از طریق انجام این وظایف زمین را برای کسب قدرت سیاسی توسط پرولتاریا آماده نمایند.



★ ارستجان فارس هفته آخر ۲ / ۵۹

درگیری ۱۴ نفر از رعیتها با چماقداران فئودالها برای حفظ زمینی که بعد از انقلاب پس گرفته بودند.

★ رحیم آباد رودسر ۱۲ / ۳ / ۵۹

درگیری روستاییان با چماقداران فئودالها برای پس ندادن زمینهای فئودالها که توسط دهقانان منطقه اشکور تقسیم شده بود

نتیجه : حفظ زمینها

★ لاهیجان ۲۳ / ۲ / ۵۹

راهپیمایی یکمزارنفر از چایکاران با حمایت زحمتکشان و نیروهای آگاه شهر

برای تحویل گرفتن محصول چای توسط کارخانه داران

نتیجه : رسیدن به خواسته ها

★ روستای " هست سفلی " اراک ۲۶ / ۳ / ۵۹

راهپیمایی و تحمّن

برای اعتراض به دستگیری زحمتکشانی که هشت ماه پیش زمینهای فئودالهای منطقه را معاذره کرده اند.

نتیجه : فریب خوردن روستاییان با وعده پخش نمودن خواسته های آنان از رادیو و تلویزیون

★ سمیرم از توابع اصفهان ۹ / ۳ / ۵۹

راهپیمایی و تحمّن روستاییان علیه فئودالها با شعارهای " خوانین ، خوانین ، ننگ به نیرنگتان ، خون جوا -

نان ما میچکد از چنگتان " - " ایرج خان ستمگر (یکی از فئودالها) بدست حاکم شرع اعدام باید گردد "

خواست : دستگیری و مجازات کلیه خوانین و معاذره کلیه اموال و زمینهای آنان ب نفع زحمتکشان و مساح شدن دهقانان بمنظور تنها راه چاره برای نجات از دست فئودالها .

★ بخش ۵ همدان ۲ / ۴ / ۵۹

اعتراض روستاییان

برای جلوگیری از دستگیری دکتر مبارز با شعار " مرگ هر مالک خواه " (یعنی کسی که طرفدار مالک و ارباب است)

نتیجه : عدم دستگیری دکتر

★ دشت ارژن ۵ / ۴ / ۵۹

اعتراض ۱۰۰۰ نفر از دهقانان علیه دستگیری نمایندگان دهقانان (نمایندگان دهقانان سه تن از خوانین را که قصد سوزاندن خرمنهای دهقانان را داشتند دستگیر کرده و تحویل مقامات دولتی میدهند در این جریان ربانی شیرازی خوانین را آزاد کرده و نمایندگان دهقانان را دستگیر میکند .)

★ روستای " گونان " ۲۰ / ۴ / ۵۹

۲۰ خانوار روستایی مقدار ۶۲ هکتار زمین متعلق به یک مالک را در این منطقه بین خود تقسیم کردند . سال

پیش هم دست به این کار زده بودند . وبا مقابله با پاسداران روبرو گردیده بودند .

نتیجه : با یکپارچگی و وحدت به راحتی به خواست خود رسیدند .

★ روستاهای اطراف داراب و ممسنی ۲۰ / ۴ / ۵۹

شوراهای دهقانی بوجود آمد .

★ دشت ارژن ۲۰ / ۴ / ۵۹

جریانات ضد فئودالی شدت جریان دارد

★ منطقه " برچلو " از نواحی اراک ۷ / ۵ / ۵۹

تظاهرات ۳۰۰ - ۴۰۰ نفر از روستاییان در شهر بعثت آزاد شدن یکی از نمایندگان زمینداران بزرگ فراری که در پی مبارزات دهقانان دستگیر شده بود .

★ روستای " احمد آباد " دماوند ۲۰ / ۵ / ۵۹

تقسیم زمین دو زمیندار بزرگ در بین روستاییان .

این تقاضا را بصورت مسالمت آمیز از رژیم از طریق ژاندارمری و سپاه پاسداران میکنند و چون آنها زمینهای مذکور را حق زمینداران میدانند ، اخیرا خود زمینها را معاذره نموده و یکی از زمینداران رادست گیر نموده و تحویل سپاه پاسداران میدهند . در مقابل

پس دادن زمین به فامیل زمیندار مقاومت کرده و یک کشته میدهند . همچنین مانع از آزاد کردن زمیندار مذکور توسط سپاه پاسداران میشوند و با این تهدید که ما خود او را میکشیم .

نتیجه : ممانعت از پی دادن زمینها و مانع از آزاد شدن زمیندار شدند .

★ روستای " فاراب " از منطقه شرا اراک

شهریور ۵۹ معاذره مجدد زمین از حیدر کارگشا که یکبار سرکوب شده بود

نتیجه : به مالک پینام دادند که حق قدم گذاشتن به " فاراب " را ندارد

★ روستای " علم آباد " اشتر

شهریور ۵۹ سهم شدن همه روستاییان در آب چاه

نتیجه : کسی که چاه را قبل از قیام زده و خواهان تصاحب آن بود مجبور به عقب نشینی میشود .

★ روستای " دم تنگ "

شهریور ۵۹ آبی که کدخدا مالک آن بود

نتیجه : به خواستشان رسیدند

★ " صدرآباد " فارس

اواخر مردادماه تشکیل انجمن ده جدید

نتیجه : درگیری زحمتکشان با انجمن قبلی که از مالکان بودند و شکایت زحمتکشان که بی اثر ماند .

★ فیروزکوه

آزادی یکی از اعضای شورا

نتیجه : آزاد شدن عضو مزبور

★ روستای " بصری " اراک

مصادره خانه ، زمین ، آب

نتیجه : تاکنون توانسته اند هفته ای یکروز آب بدست بیاورند

★ روستای " گلدشت بی نالان " رودسر ۹ / ۷ / ۵۹

اعتراض به حمله به کتابخانه که پاسداران قصد برچیدن آنرا داشتند ولی با مقاومت مردم و جوانان مبارز روبرو

شدند

نتیجه : توانستند کتابخانه را پس بگیرند .

* فیروزکوه

۵۹/۷/۱۸

کدخدای تعدادی از نفراتش به محل احداث آسیاب رفته و از مردمی که آنرا بطور جمعی خریده بودند خواستار تصرف آن میشود . در اثر مقاومت چند نفر زخمی میشوند . پاسداران ۱۸ نفر رازندانی میکنند و همه به استثنای یک نفر آزاد میشوند .

* روستای " جعفرآباد " کرمانشاه ۵۹/۸/۷

تقسیم زمینهای اربابها

نتیجه : مبارزه ادامه دارد

* روستای " کربال " شیراز ۵۹/۸/۷

تقسیم زمین

نتیجه : سپاه پاسداران از تقسیم زمین خودداری کرد ولی مبارزه ادامه دارد .

* روستاهای ممسنی ۵۹/۹/۱۷

دهقانان زمینها را مصادره کرده ولی پاسداران آنرا بازپس گرفتند و اکنون خواستار برگرداندن زمینها هستند

نتیجه : مبارزه ادامه دارد

* منطقه " اشکورات " از توابع رودسر

اواخر ۵۹/۷

مصادره زمین

نتیجه : مبارزه ادامه دارد

* روستای " رنجون " فارس ۵۹/۷/۱۷

گرفتن چغندر هایی که در زمین ارباب کاشته بودند و مالک حاضر به دادن آنها نبود .

* روستای " جلگه " و " عبدولی " ۵۹/۹/۲۴

تقسیم زمین بین این دوروستا

نتیجه : با دخالت پاسداران که منجر به کشته شدن ۳ نفر و زخمی شدن تعداد زیادی از آنها گردید . به نفع روستای " جلگه " به نتیجه رسید .

* روستای " پردسر " طوالش ۵۹/۱۰/۱۵

پس از حمله به سپاه پاسداران و خلع سلاح آنها خواستار انحلال سپاه پاسداران میشوند و اعتراض به دزدی سپاه به بهانه کمک به جنگ زندگان مینمایند .

* روستای " جلیگون " ۵۹/۱۰/۱۵

کنترل زمینهای ارباب و کشت و کار روی آن با شورای روستایی

نتیجه : در حین ادامه مبارزه با شورای فرمایشی فعلا زمین در دست روستاییان است .

* روستای شیبجان

اوایل آبان

خواستار : برق

نتیجه : این حرکت باعث ندادن رشوه ناموفق بود .

* سمکو ملیار اطراف بوکان اواخر آذر

خواستار : مصادره زمینهای ارباب

نتیجه : به خواسته شان کامل رسیدند

* ملک آباد (۲۵ - ۱۷) کیلومتری جنوب

شرقی اراک ۵۸/۲/۲۷

نوع اعتراض : حمله برای پس گرفتن زمین

تعداد : ۱۵۰ خانوار

خواستارها : پس گرفتن زمینهای مصادره شده توسط روستاییان

* روستای نیوه ز اطراف سردشت ۵۸/۲/۳۰

نوع اعتراض : حمله مسلحانه بر علیه فئودالها

تعداد : اهالی روستا و کمکی از روستاهای بیلوکمه نی زی ، شیواشان ، داراب ران ، قهلاتاسیان

خواستارها : بیرون رفتن افراد مسلح فئودالها از روستا و لغو بهره مالکانه

* سوما برادوست (مهاباد) دهه آخر خرداد ۵۸

نوع اعتراض : درگیری مسلحانه

خواستارها : بازپس گرفتن زمین فئودالها

* منطقه سقز مریوان ۵۸/۳/۳۰

درگیری مسلحانه

خواستار : بازپس گرفتن زمین فئودالها

* در مریوان روستای خانگاه دهه اول تیر

درگیری مسلحانه

خواستار : بازپس گرفتن زمین فئودالها

* روستای سرپاره بین سقز و بوکان " " "

درگیری مسلحانه

خواستار : بازپس گرفتن آسیاب ده ، درختان غصب شده

* کوچک سه رو (سقز - بوکان) " " "

درگیری مسلحانه

خواستار : گرفتن زمینهای غصب شده توسط فئودالها

* زنان کشاورز روستای حصارک خردان ۵۸/۴/۷

واقع در ۱۵ کیلومتری قزوین

نوع اعتراض : تحصن

خواستار : آزادی زندانیان کشاورز - رسیدگی فوری به جنایات و کشتار و آتش سوزی ، دستگیری مجازات عا .

ملین قتل جوان شهید علی اصغر مافی و شش مجروح دیگر رسیدگی به وضع مجروحین ، محکوم نمودن آتش سوزیها

* روستاییان بابل ۵۸/۵/۱

نوع اعتراض : راهپیمایی ۳۰۰ نفر ۵۸/۵/۱

خواستار : مبارزه با احتکار و گرانی سیمان

* قائمشهر دهه اول مهرماه ۵۸

نوع اعتراض : درگیری بین فئودالها و دهقانان

خواستار : عدم پرداخت نصفه محصول

* روستای پطرود " " "

نوع اعتراض : درگیری بین فئودالها و دهقانان

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

بر رهبری طبقه کارگر

- خواسته : مبنی بر عدم پرداخت نصفه محصول
 کیا کلا ۵۸ / ۶ / ۲۸
 نوع اعتراض : راهپیمایی
 خواسته : محاکمه مزدوران و فئودالها ، تشکیل شورا -
 های دهقانی
 البندسر
 دهه اول مهر
 نوع اعتراض : مقابله مردم با چماقداران و مزدوران
 فئودالها
 پنهانچی از توابع قاشمشیر " "
 نوع اعتراض : اعتراض به دادن نصفه محصول " "
 جمال کلا
 نوع اعتراض : اعتراض به دادن نصفه محصول
 اهواز ۵۸ / ۹ / ۱۲
 در نزاع مسلحانه ۳ روستایی کشته شدند
 ساری ۵۸ / ۹ / ۱۴
 نزاع خونین روستایان ساری
 " بادخور ه " اسداباد ۵۸ / ۹ / ۱۴
 در نزاع دسته جمعی روستایان یک نفر کشته و ۱۱ نفر
 زخمی شدند .
 آق قلا ۵۸ / ۹ / ۱۹
 نزاع مسلحانه در آق قلا
 تهران ۵۸ / ۱۰ / ۵
 راهپیمایی در تایید تقسیم زمین بین دهقانان
 تهران ۵۸ / ۱۰ / ۶
 راهپیمایی هزاران نفر علیه فئودالها و زمین خواران
 ملکان ۵۸ / ۱۰ / ۶
 کشاورزان متحمن شدند
 بابا منیر ۵۸ / ۱۰ / ۸
 تحصن عشایر بابا منیر
 ممسنی ۵۸ / ۱۰ / ۱۲
 نزاع روستایان ممسنی
- ۵۸ / ۱۰ / ۱۲ * صومعه سرا
 اعتراض به زندانی شدن کشاورزان
 ۵۸ / ۱۰ / ۱۷ * ترکمن صحرا
 راهپیمایی روستایان ترکمن صحرا علیه فئودالها و
 زمینداران بزرگ
 ۵۸ / ۱۰ / ۱۸ * بندر گناوه
 در نزاع بین روستایان بندر گناوه ۲ نفر کشته شدند
 ۵۸ / ۱۰ / ۲۵ * شیراز
 تظاهرات کشاورزان در شیراز
 ۵۸ / ۱۱ / ۲۷ * آبکنار بندرانزلی
 تحصن کشاورزان آبکنار بندرانزلی
 ۵۸ / ۱۲ / ۲۷ * بیشه کلا
 ادامه تحصن ساکنان بیشه کلا در استانداری مازندران
 ۵۹ / ۱ / ۱۰ * گیلان
 درگیری مسلحانه بین روستایان گیلان
 ۵۹ / ۱ / ۱۷ * آمل
 کشاورزان آمل سازمان تعاون روستایی را تصرف کردند
 ۵۹ / ۱ / ۱۸ * بوئین فریدن
 در زدو خورد روستایان بوئین فریدن ۳ کشته
 و ۳۰ تن مجروح شدند .
 ۵۹ / ۱ / ۲۰ * مسجد سلیمان
 حمله کشاورزان به فرمانداری و به بانک کشاورزی .
 ۵۹ / ۱ / ۲۸ * شیروان
 ۴ روستائی در زدو خورد کشته شدند
 ۵۹ / ۴ / ۳ * آمل
 بعنوان اعتراض به بازداشت ۳۷ روزه خود ، کشاورزان
 (۲۲ نفر) در زندان آمل اعتصاب غذا
 کردند .



سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی

